

مفهوم و مدل جامعه یادگیری^۱ در کشور ایران

صدیقه کریمی، دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه اصفهان*

احمدرضا نصر، استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

زنده یاد مصطفی شریف، دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

چکیده

محققان برای پاسخ به این سؤال که جامعه یادگیری چه نوع جامعه‌ای است، دیدگاه‌ها و مدل‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند. با توجه به اینکه هر کشور باید مدل متناسب با شرایط خود را طراحی کند، مقاله حاضر در صدد است تا مدلی مفهومی برای جامعه یادگیری متناسب با شرایط کشورمان ارائه دهد. در این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته، دیدگاه‌های ۲۴ نفر از مدیران و اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی وابسته به آموزش عالی در شهرهای تهران، اصفهان و شیراز تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش گویای آن است که جامعه یادگیری ایرانی فرصت‌های یادگیری در سراسر دوران زندگی را فراهم می‌کند تا هر فرد، برای دستیابی به نتایج مورد علاقه خود و رشد توانمندی‌هایش به یادگیری بپردازد؛ به علاوه، در جامعه اثرگذار بوده، در توسعه آن مشارکت کند. این جامعه، فرصت‌های برابر یادگیری را توسعه می‌دهد تا عدالت اجتماعی برقرار شده، شهروندی فعال تشویق گردد و جامعه به انسجام اجتماعی در هدف نهایی؛ یعنی تعبد و بندگی خداوند، دست یابد. این جامعه با روش‌های مختلف انگیزه یادگیری، توانایی خود رهبری در یادگیری و یادگرفتن چگونه یادگرفتن را در افراد پرورش می‌دهد. میان بخش‌های مختلف آموزش رسمی آن ارتباط درونی وجود دارد و آموزش‌های غیررسمی و یادگیری اتفاقی یا لحظه‌ای نیز توسعه داده می‌شود. چنین جامعه‌ای فرصت‌های یادگیری را فراهم می‌کند تا افراد و جامعه از بازده‌های اقتصادی یادگیری بهره‌مند شوند و توسعه اقتصادی محقق شود.

واژه‌های کلیدی: جامعه یادگیری، یادگیری مادام‌العمر، ایران.

^۱ learning society

Email: skarimi929@gmail.com

* نویسنده مسؤول: ۰۹۱۳۲۰۱۱۵۹۳

مقدمه

انسان موجودی آرمانگراست و به گواه تاریخ، هیچ‌گاه انسان از اندیشه زیستن در شرایط بهتر فارغ نبوده است. او برای یافتن آینده‌ای بهتر، آرمان شهری را تصور کرده و سپس زندگی خود را به گونه‌ای انتخاب نموده که به آن آرمان متصور برسد (مسعودی، ۱۳۹۰: ۱). ایده‌پردازی برای جامعه مطلوب و تلاش برای بسترسازی تحقق آن همواره رواج داشته، اما در اواخر قرن بیستم، تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فناوری بسیاری بر اثر جهانی شدن پدیدار شد (مورگان و همکاران، ۲۰۰۷: ۲). با نگاه به این شرایط، متفکران تذکر داده‌اند که اگر جوامع بخواهند از فرصت‌های ناشی از تحولات به نفع خود سود جویند و از عهده چالش‌های احتمالی برآیند، باید به استقبال آینده روند، جامعه آینده مطلوب خود را پیش‌بینی کرده و برای رسیدن به آن بسترسازی کنند (جارویس، ۲۰۰۸؛ به نقل از فریره: ۱۰۲). اکثر این متفکران تشکیل جامعه یادگیری را پیشنهاد نموده‌اند، زیرا اگر به مردم فرصت‌هایی برای پرداختن به یادگیری در سراسر دوران زندگی داده شود و آنها یادگیرنده مادام‌العمر باشند، می‌توانند از عهده چالش‌های ذکر شده برآیند (ادواردز، ۲۰۰۲: ۱؛ جارویس، ۲۰۰۸: ۱۰۳).

دانش به طور تفکیک ناپذیری با یادگیری مادام‌العمر در هم تنیده‌اند و یادگیری مادام‌العمر قلب جامعه یادگیری است. ایشان توصیه می‌کنند، با ورود به قرن بیست و یکم، مدل توسعه مبتنی بر دانش و چشم‌اندازی از جامعه دانش فرا راه انسان‌ها قرار گرفته است. گام اول برای رسیدن به جامعه دانش، تلاش برای رسیدن به جامعه یادگیری است (یونسکو، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۷). با پذیرش این ضرورت، محققان و صاحب‌نظران کشورهای مختلف برای پاسخ به این سؤال که مفهوم جامعه یادگیری چیست و جامعه یادگیری دارای چه ویژگی‌هایی است و راهکارهای تحقق این جامعه چیست، به تبیین مفهوم آن پرداخته و برای آن مدل‌های مفهومی و نظری ارائه نموده‌اند. بدیهی است ارائه مدل واحدی که برای همه کشورها الگوی مناسبی باشد، امکان‌پذیر نیست. هر کشور باید مدل متناسب با شرایط خود را طراحی کند (یونسکو، ۱۳۸۸: ۱۹). با توجه به این ضرورت، ابتدا دیدگاه‌های صاحب‌نظران سایر کشورها درباره پاسخ پرسش‌های فوق بررسی و در ادامه، نظر اندیشمندان ایرانی تحلیل می‌گردد. سپس، مدلی مفهومی برای جامعه یادگیری ایرانی متناسب با شرایط کشورمان ارائه خواهد شد.

مفهوم جامعه یادگیری [۱]

اگر چه ایده جامعه یادگیری، اغلب مفهوم ساده‌ای به نظر می‌رسد، اما با کمی تأمل و مرور متون تخصصی مربوط به این موضوع می‌توان دریافت این ایده مفهوم پیچیده‌ای دارد که برای درک صحیح آن لازم است ابتدا، واژه‌های جامعه و یادگیری معنا شود. جامعه طبق تعریف لغتنامه دهخدا عبارت است از: «گروهی از مردم که برای رسیدن به هدف مخصوص تحت قواعد معین گرد هم جمع شده‌اند» (ص ۶۴۹۰). بر اساس این تعریف، جامعه می‌تواند از یک گروه دو نفره تا مجموعه همه افراد بشر

همزمان با این اظهار نظرها، اصطلاح «جامعه دانش» در سال ۱۹۶۹ توسط دراکر^۲ و مفهوم جامعه اطلاعات در اواخر دهه ۱۹۹۰ توسط کاستلز مطرح شده و رواج یافته‌اند. در اجلاس‌ها، پژوهش‌ها و بحث‌های مربوط به این ایده‌ها، تعهداتی مطرح شده که ایده جامعه دانش، جامعه اطلاعات و جامعه یادگیری را به یکدیگر پیوند می‌دهند (یونسکو، ۱۳۸۸: ۱۸-۱۹). یونسکو، صاحب‌نظران و محققان تأکید کرده‌اند ایده‌های جامعه اطلاعات و جامعه

^۱ Edwards

^۲ Drucker

روش‌هایی را که هر جامعه برای توسعه فرصت‌های یادگیری به کار می‌گیرد، تحت تأثیر قرار می‌دهد و به سوی هدفی ویژه هدایت می‌کند. از این رو، در ادامه این نتایج و اهداف بررسی می‌شود:

الف) یادگیری مادام‌العمر و توسعه انسانی (فردی): بسیاری از متفکران، یادگیری را کارکرد اساسی و فطری انسان می‌دانند که در سراسر دوران زندگی ادامه می‌یابد. بنابراین، یادگیری مادام‌العمر، به معنای فراهم کردن شرایط یادگیری است تا هر چه بیشتر توانایی‌های بالقوه انسان رشد یافته، شایستگی‌های جدیدی را برای درک جهان پیرامون کسب کند (احمد،^{۱۲} ۲۰۰۲: ۲۵؛ پیترز، ۲۰۰۹: ۲۲۴). یادگیری باید به انسان‌ها کمک کند تا در شأن و مقام انسان بودن زندگی و کار کنند و کیفیت زندگی خود را بهبود بخشند (ایوان، ۲۰۰۲: به نقل از یکس لی^{۱۳}: ۳۱۱). به دنبال این نتایج فردی، توانایی افراد برای شهروندی فعال و ایجاد خانواده و جامعه سالم ارتقا می‌یابد (استرین، ۲۰۰۰: ۲۹۴).

ب) یادگیری مادام‌العمر و توسعه اجتماعی: یادگیری امری آگاهانه است که از طریق تعامل با دیگران - نه در انزوا و تنهایی^{۱۴} به دست می‌آید (ویلکینز، ۲۰۰۰: ۳۴۶). هر فرد نه تنها از طریق بودن با دیگران و عضویت به عنوان شهروند در جامعه می‌تواند هویت و عمل خود را توسعه دهد، بلکه وابستگی درونی توأم با همکاری آنها، می‌تواند هویت جمعی جامعه را شکل دهد (استرین، ۲۰۰۲: به نقل از رامزدن^{۱۵}: ۲۹۲). جامعه یادگیری باید فرصت‌هایی را فراهم کند تا از طریق آنها، افراد سرمایه اجتماعی لازم برای زندگی را به دست آورند. آنها یاد بگیرند چگونه با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و علی‌رغم اختلاف نظرهایشان

را که بر روی کره زمین زندگی می‌کنند، در بر گیرد. بنابراین، جامعه یادگیری می‌تواند دامنه محدودی از افراد درون یک گروه کوچک در مؤسسه آموزشی تا جامعه یادگیری جهانی را شامل شود. این تعریف، موجب طرح ایده سازمان یادگیری^۱، شهر یادگیری^۲، شبکه یادگیری^۳، جامعه محلی یادگیری^۴ و جامعه یادگیری جهانی^۵ شده است (جارویس، ۲۰۰۸: ۵). در اکثر مباحث، محققان و سیاست‌گذاران منظور از جامعه یادگیری را جامعه در مفهوم ملی آن می‌دانند که متشکل از افرادی است که درون مرزهای جغرافیایی یک کشور زندگی می‌کنند و به یادگیری خود در سراسر دوران زندگی ادامه می‌دهند.

در طی قرن گذشته، یادگیری در قلمرو رفتارگرایی^۶، شناخت‌گرایی^۷، تداعی‌گرایی^۸ و ساختارگرایی^۹ مطالعه شده است. همه این نظریه‌ها، یادگیری را پدیده‌ای می‌بینند که موجب توسعه فردی می‌شود (تاومی^{۱۰}، ۲۰۰۵: ۸؛ پیترز^{۱۱}، ۲۰۰۹: ۲۲۵). اما در بحث پیرامون جامعه یادگیری، ماهیت مادام‌العمر بودن یادگیری در قلمرو زندگی اجتماعی مد نظر است. نظریه‌پردازان معتقدند برای درک مفهوم یادگیری مادام‌العمر مورد نظر در ایده جامعه یادگیری باید به این سؤال پاسخ داد که چرا افراد باید یاد بگیرند؟ و چرا جامعه باید فرصت‌های یادگیری را تدارک ببیند؟ پاسخ به این سؤال‌ها مستلزم توجه به نتایج یا پیامدهای یادگیری است (تاومی، ۲۰۰۵: ۵)، زیرا تأکید بر هر کدام از نتایج، خط‌مشی‌ها، فعالیت‌ها و

¹ learning organization

² learning city

³ learning networks

⁴ community learning

⁵ global learning society

⁶ behaviorism

⁷ cognitivism

⁸ connectionism

⁹ constructivism

¹⁰ Tuomi

¹¹ Peters

¹² Ahmed

¹³ Yexlee

¹⁴ wilkins

¹⁵ Ramsden

بر یادگیری به عنوان فرآیندی فعال که توسط یادگیرنده هدایت می‌شود و خود انگیزشی، خود مختاری و اعتماد به نفس از اجزای بارز آن است، تأکید شود. این تعریف نیازمند توجه به دو واقعیت است: اول آنکه یادگیری مادام‌العمر شامل یادگیری رسمی^۶، غیر رسمی^۷ و اتفاقی^۸ است (کناپروکروپلی^۹، ۲۰۰۰: ۴۵؛ جارویس، ۲۰۰۸: ۹۸) و دوم آنکه، یادگیری در سراسر دوران زندگی بر سه پایه طول زندگی، عرض زندگی و انگیزش برای یادگیری قرار دارد. تأکید بر طول زندگی به معنی آن است که یادگیری از دوره پیش دبستانی و قبل از آن تا آموزش پس از آموزش اجباری، به ویژه آموزش بزرگسالان و آموزش عالی ادامه دارد. منظور از این که یادگیری در عرض زندگی روی می‌دهد، آن است که یادگیری نه تنها در مدرسه، کالج و دانشگاه، بلکه در بسیاری از مکان‌های گوناگون روی داده، تمام شکل‌ها و انواع آموزش بخشی از یک مسیر یادگیری واحد محسوب می‌شود. افزون بر این، اساس مفهوم یادگیری مادام‌العمر با تحریک انگیزش فرد برای درگیر شدن در یادگیری، در هم آمیخته است (اسکواتز و اسلوی^{۱۰}، ۲۰۰۰: ۱۰-۱۱). طبق نظر بعضی از صاحب‌نظران، این مفهوم وسیع از یادگیری و یادگیری مادام‌العمر محور اصلی جامعه یادگیری است (بیرما^{۱۱}، ۲۰۰۶: ۲) و همان طور که در گزارش پژوهش واترستون^{۱۲} (۲۰۰۵: ۵) آمده، موجب ظهور جامعه یادگیری می‌شود که ویژگی بارز آن این است که:

این جامعه از تدارک آموزش و حرفه‌آموزی برای

درباره ارزش‌های اجتماعی، به یکدیگر احترام بگذارند، عقاید خود را زیر سؤال ببرند، کمتر موضع دفاعی گیرند و ریسک‌پذیری بیشتری داشته باشند (ویلکینز، ۲۰۰۰: ۳۴۶؛ استرین، ۲۰۰۰: به نقل از دان، ۲۹۲).

ج) یادگیری مادام‌العمر و توسعه اقتصادی: اغلب صاحب‌نظران، دولت‌ها و سیاستگذاران در بحث درباره یادگیری مادام‌العمر، به آثار اقتصادی یادگیری توجه دارند. آنها این اصل را پذیرفته‌اند که یادگیری برای فرد هنگامی ارزش بالایی دارد که به کسب شغل یا حفظ وضعیت استخدامی کمک کند. به علاوه، یادگیری برای جامعه ارزشمند است، زیرا مهمترین عامل برای تولید و افزایش سرمایه انسانی است و امکان توسعه اقتصادی و رقابت در بازارهای جهانی را مهیا می‌سازد (بانک جهانی، ۱۳۸۷: ۵۶). فرض اساسی آن است که با تغییر سریع در دانش و فناوری، ارزش مهارت‌های شغلی در طول زمان به سرعت کاسته می‌شود و مهمترین راهکار برای توسعه و به روز نگه داشتن آنها فراهم کردن فرصت‌های یادگیری برای نیروی انسانی شاغل و بیکار است (رست و خسروانی، ۱۳۸۵: ۲۹۵-۲۹۶).

در مجموع، میان متخصصان و نظریه‌پردازان درباره هدف مستتر در ایده یادگیری مادام‌العمر در جامعه یادگیری اختلاف نظر وجود دارد. مادسون و مادسون^۱ (۲۰۰۰)، بوشیر^۲ (۲۰۰۰)، تایجنمن و بوستر^۳ (۲۰۰۲)، جارویس (۲۰۰۸) و گریفین^۴ (۲۰۰۹) معتقدند در شرایط شرایط کنونی جوامع بشری، تأکید بر بعد اقتصادی یادگیری مادام‌العمر، ایده‌ای محدود و تنگ نظرانه است. چنین جامعه یادگیری نمی‌تواند وجود واقعی پیدا کند، مگر آنکه تحولی از آموزش به یادگیری به وجود آید و

⁶ Longworth
⁷ nonformal education
⁸ informal education
⁹ Knapper and Croply
¹⁰ Schuetze and Slowey
¹¹ Bierema
¹² watterston

¹ Dunn
² Matheson and Matheson
³ Boshier
⁴ Taijenman and Bostrom
⁵ Griffin

این سازمان دیدگاه خود را درباره جامعه یادگیری در گزارش «یادگیری برای زیستن: دنیای آموزش امروز و فردا» به تفصیل توضیح داده است. فور و همکاران (۱۹۷۲) به بررسی بحران‌های آموزش رسمی پرداخته و ایده‌های جامعه یادگیری، یادگیری مادام‌العمر و آموزش مادام‌العمر را بهترین راه حل معرفی نموده‌اند. آنها برای توصیف جامعه مورد نظر خود بیست اصل و توصیه را مطرح نموده‌اند که بوشیر (۲۰۰۰: ۸) این اصول را به چهار دسته تقسیم می‌کند. آنها عبارتند از: در هم تنیدن عمودی^۲، در هم تنیدن افقی^۳، دموکراتیزه کردن^۴ و سرانجام، دستیابی به جامعه یادگیری.

در هم تنیدن عمودی: در هم تنیدن عمودی به نظامی از آموزش اشاره دارد که زندگی شهروندان از گهواره تاگور را در بر می‌گیرد.

در هم تنیدن افقی: در هم تنیدن افقی عبارت از توسعه آموزش است تا در طیف گسترده‌ای از مکان‌های رسمی و غیر رسمی ارائه شود.

دموکراتیزه کردن: برای برقراری دموکراسی، ساختار نظام آموزشی باید باز شود تا طیف گسترده‌ای از حق انتخاب را فراهم کند و هر فرد بتواند در هر دوره از زندگی الگوی آموزشی مناسب خود را انتخاب کند. مسئولیت این تغییر برعهده دولت، کارفرمایان و سایر نهادها و متولیان آموزش است. آنها علاوه بر گسترش دسترسی باید موانع آن را برطرف کنند تا فرصت‌های برابر و امکان مشارکت به وجود آید.

جامعه یادگیری: انجام توصیه‌های ذکر شده، به جامعه یادگیری منجر می‌شود که جامعه‌ای تحصیل کرده و دارای ویژگی‌های زیر است:

افرادی که به آن نیاز دارند، فراتر می‌رود و به جای آن، یک محیط انسانی پرشور و توأم با مشارکت و آگاه از لحاظ فرهنگی و پررونق از لحاظ اقتصادی را از طریق تدارک، توزیع و اشاعه فعال فرصت‌های یادگیری به منظور پرورش استعداد تمام شهروندانش ایجاد می‌کند. چنین جامعه‌ای، دارای یک سیستم یادگیری مادام‌العمر خواهد بود که در آن مدارس و دانشگاه‌ها، سازمان‌های یادگیرنده‌ای هستند که به تولید، اشاعه، انتقال دانش و تغییر رفتار می‌پردازند و برای ارائه چشم اندازهای جدید فعالیت می‌کنند.

در این جامعه افراد برای یادگیری در موقعیت‌های گوناگون تشویق می‌شوند تا توسعه فرد، انسجام اجتماعی و شهروندی فعال تحقق یابد. بر اثر مشارکت فعال و موثر افراد در عرصه تولید توأم با نوآوری، رشد اقتصادی نیز افزایش خواهد یافت (پیترز، ۲۰۰۹؛ به نقل از هاسن، ۲۲۵). اکنون کشورهای توسعه یافته که دارای موضع اقتصادی هستند، نیز این مفهوم را پذیرفته‌اند (مادسون، مادسون، ۲۰۰۰: ۲۱۳).

دیدگاه‌ها و مدل‌های مطرح شده درباره جامعه یادگیری^۱

از اواخر قرن بیستم، دوره‌ای که ایده جامعه یادگیری اهمیت یافته و رواج پیدا کرد، دیدگاه‌های زیادی درباره آن ارائه شده است. بسیاری از صاحب‌نظران، مانند هاچینز (۱۹۶۸)، رانسون (۱۹۹۴ و ۱۹۹۸)، یونسکو (۱۹۷۲)، ۱۹۹۶ و ۲۰۰۵، جارویس (۲۰۰۸) و چامبرز (۲۰۱۰) با مطالعات تطبیقی، پیمایشی و مرور متون تخصصی جامعه یادگیری را توصیف کرده‌اند. به اعتقاد بسیاری از حامیان ایده جامعه یادگیری، یکی از واضح‌ترین توصیف‌ها، مدل جامعه یادگیری یونسکو است که در اینجا به آن اشاره می‌شود.

^۱ بخشی از این دیدگاه‌ها به تفصیل در پایان نامه نویسنده اول این مقاله ذکر شده است.

^۲ vertical integration

^۳ horizontal integration

^۴ democratization

- ابزار یادگیری و آموزش، به منظور پرورش خود برای هر شهروند، تحت هر شرایطی که او بخواهد، قابل دسترس است. هر شهروند نه تنها در برابر آموزش خود مسؤول است، بلکه برای او یک اجبار و الزام محسوب می‌شود.

- اعضای جامعه برای لذت بردن از آموزش در طول و عرض زندگی تشویق و حمایت می‌شوند.

- نظام آموزشی رسمی و مقررات آن از ارزش بالایی برخوردار است و در آن فرصت‌های یادگیری رسمی به طور وسیع تدارک می‌شوند.

- مرزهای متداول آموزش گسترش می‌یابد و آموزش غیر رسمی و اتفاقی توسعه داده می‌شود تا فرصت‌های برابر برای تمام شهروندان فراهم گردد (بوشیر، ۲۰۰۰؛ به نقل از فور و همکاران: ۱۰-۲۰).

رویکرد یونسکو به جامعه یادگیری، در گزارش «یادگیری: گنج درون» دنبال شده است. در این گزارش بر توسعه فردی و اجتماعی از طریق فرآیند یادگیری تأکید و بر توسعه اقتصادی ترجیح داده می‌شود. یونسکو (۱۳۷۶) برای توضیح جزئیات این جامعه، چهار ستون یادگیری را معرفی می‌کند که عبارتند از: یادگیری چگونه دانستن، یادگیری چگونه انجام دادن، یادگیری زندگی با دیگران و یادگیری چگونه بودن (یونسکو، ۱۳۷۶: ۸۹). یونسکو (۱۳۸۸: ۹۵) در گزارش جهانی «به سوی جامعه دانش» که در سال ۲۰۰۵ منتشر کرده، همین دیدگاه از جامعه یادگیری را تکرار نموده، آن را مسیری می‌داند که کشورها را به سوی جامعه دانش و توسعه دانش محور هدایت می‌کند.

با مرور دیدگاه‌های مختلف درباره جامعه یادگیری، بعضی از اندیشمندان آنها را دسته‌بندی کرده و مدل‌های جامعه یادگیری نامیده‌اند. ادواردز (۱۹۹۷) در کتاب

مکان‌های در حال تغییر^۱ دیدگاه‌ها را براساس بنیان فلسفی‌شان به سه مدل: جامعه یادگیری به عنوان جامعه تحصیل کرده^۲، جامعه یادگیری به عنوان بازار یادگیری^۳، و جامعه یادگیری به عنوان مکانی برای پذیرش رویکرد یادگیری به زندگی (شبکه‌های یادگیری^۴). تقسیم نموده است. هولفرد و جارویس (۲۰۰۰) نیز در مقاله «جامعه یادگیری» معناهای مختلف جامعه یادگیری را به چهار دسته یا مدل شامل جامعه یادگیری به عنوان جامعه آینده‌گرا^۵، جامعه یادگیری به عنوان جامعه عقلانی^۶، جامعه یادگیری به عنوان جامعه مصرف کننده^۷ و جامعه یادگیری به عنوان جامعه یادگیری برنامه‌ریزی شده^۸، تقسیم نموده‌اند.

با مقایسه این دسته‌بندی‌ها، با کمی اغماض می‌توان گفت، جامعه آینده‌گرا با جامعه تحصیل کرده، جامعه عقلانی با جامعه شبکه‌های یادگیری و جامعه مصرف کننده با جامعه بازار یادگیری معادل هستند. در ادامه ویژگی‌های این جوامع با عنوان‌های: ۱- جامعه تحصیل کرده؛ ۲- جامعه بازار یادگیری و ۳- جامعه شبکه‌های یادگیری بررسی می‌شوند.

جامعه یادگیری به عنوان جامعه تحصیل کرده (آینده‌گرا)

این مدل که تا حدودی به مباحث مدرنیسم کلاسیک نزدیک است، دیدگاهی آرمانی از آموزش لیبرال است که نسبت به شهروندی فعال، دموکراسی لیبرال و فرصت‌های برابر متعهد است (هولفرد، جارویس، ۲۰۰۰:

¹changing places

²an educated society

³a learning market

⁴learning networks

⁵futuristic society

⁶reflexive society

⁷consumer society

⁸planing for learning society

کارفرمایان، اتحادیه‌های بازرگانی و غیره نیز باید به این بحث وارد شوند. در این جامعه، بازار یادگیری وجود دارد که هدف اساسی آن، پاسخ به تقاضاهای افراد و کارفرمایان در مورد روز آمد کردن مهارت‌ها و شایستگی‌هاست (اسمیت^۲، ۲۰۰۲: ۴). به عقیده هولفرد و جارویس (۲۰۰۰) جامعه یادگیری به عنوان بازار یادگیری، جامعه‌ای مصرف کننده است (ص ۶۴۷)، زیرا در بازار یادگیری از تبلیغات برای پرورش آرزوها و تمایل به مصرف استفاده می‌شود (هولفرد، جارویس، ۲۰۰۰: ۶۴۷؛ ادواردز، ۱۹۹۷: ۱۸۶) و افراد می‌توانند از طریق خرید بسته‌های چند رسانه‌ای، رایانه‌ها، وارد شدن به شبکه، تماشای برنامه‌های مخصوص یادگیری در تلویزیون، خرید مجلات یا کتاب‌های خودآموز و یا شرکت در دوره‌های یادگیری خودآموز، یاد بگیرند. مؤسسات آموزش رسمی تنها یکی از تدارک کنندگان اطلاعات در بازار یادگیری هستند.

جامعه یادگیری به عنوان جامعه شبکه‌های یادگیری (جامعه عقلانی)

رشد سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات، جهانی شدن و آثار و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنها، موجب طرح ایده جامعه شبکه‌های یادگیری شده است. این مفهوم از جامعه یادگیری در بحث‌های پسامدرنیستی (اسمیت، ۲۰۰۲: ۵) و مدرنیته عقلانی مطرح شده است (هولفرد، جارویس، ۲۰۰۰؛ به نقل از گیدنز^۳: ۶۴۵). این جامعه یادگیری، جامعه‌ای است که طیف وسیعی از منابع را فراهم می‌کند تا یادگیرندگان قادر به انتخاب سبک زندگی‌شان شوند و آن را تمرین کنند. از این رو، مجموعه‌ای از شبکه‌های یادگیری یا شبکه‌های قومی

(۶۵۸). در این جامعه به جای یادگیری، آموزش مادام‌العمر مفهوم کلی حاکم بر سیاست‌های آموزشی است و توجهی ویژه به آموزش بزرگسالان دارد (ادواردز، ۱۹۹۷؛ به نقل از ساتون^۱: ۱۷۴). فرض زیربنایی آموزش در این جامعه آن است که افراد برای یادگیری وظیفه اخلاقی دارند. آنها حق دارند به عنوان شهروند در جامعه یادگیری مشارکت داشته باشند و این حق برای آنها این وظیفه را ایجاد می‌کند که به عنوان یک شهروند وظیفه‌شناس همواره به دنبال یادگیری باشند (ادواردز، ۱۹۹۷: ۱۷۵) در این جامعه، نظام آموزشی به وسیله دولت تدارک و حمایت می‌شود و کارکرد آن به بودجه عمومی وابسته است. طبق نظر هولفرد و جارویس (۲۰۰۰: ۶۴۵) جامعه تحصیل کرده یک جامعه آینده‌گراست، زیرا افرادی که به توصیف این جامعه پرداخته‌اند، جامعه‌ای ایده آل یا آرمانی که در آینده می‌تواند تحقق یابد، ترسیم کرده‌اند.

جامعه یادگیری به عنوان جامعه بازار یادگیری (جامعه مصرف کننده)

این تصور از جامعه یادگیری بخشی از مباحث مدرنیته است و در بحث‌های پسامدرن تا حدودی مد نظر قرار گرفته است. در چنین جامعه‌ای، سه فرض اساسی پذیرفته شده است: اول اینکه در بحث‌های پیرامون یادگیری مادام‌العمر، بر بازده اقتصادی یادگیری بیش از سایر بازده‌ها تأکید شود؛ دوم اینکه تأکید بیشتری بر یادگیرنده قرار گیرد تا یادگیری مادام‌العمر او در بازار فرصت‌ها فراهم شده و یادگیری در سراسر دوران زندگی او را تضمین کند. سوم اینکه پرداختن به این موضوع به متخصصان تعلیم و تربیت، مربیان و متولیان آموزش بزرگسالان محدود نمی‌شود، بلکه سیاستگذاران،

² Smith

³ Giddens

¹ Sutton

پیتز، ۲۰۰۹: ۱۳۴؛ هیلاند، ۲۰۰۳: ۱۱۹). آنها درباره مدل مطلوب جامعه یادگیری تذکر می‌دهند که باید از مدل اقتصادی فراتر رفت. به عبارت دیگر:

اکنون ما به یک چشم‌انداز و دستورالعمل گسترده‌تر، حتی وسیع‌تر از دانش نیاز داریم تا هشیاری ما درباره جهان متفاوت شود. با سرعت تغییر، ما به ادامه دادن به یادگیری و دیدگاهی از جامعه یادگیری نیاز داریم که درک انسانی‌تری از یادگیری داشته باشد؛ جامعه یادگیری متفاوت با آنچه تاکنون تصور شده است، جامعه یادگیری با اولویت‌های جدید و علایق جدید؛ جایی که موضوع انسان مهمترین منبع آن باشد، نه ابزار آن (جارویس، ۲۰۰۸: ۲۰۲).

طبق نظر این تئوری‌پردازان، هر یک از مدل‌های جامعه یادگیری دارای مزایا و معایبی است. با مطالعه و شناسایی آنها بعضی از افراد توصیه کرده‌اند به جای تأکید بر یک مدل، ترکیبی از آنها به صورت مدل جدیدی از جامعه یادگیری پیشنهاد شود. با توجه به این توصیه، برای مثال، ادواردز (۱۹۹۷) مدل جامعه یادگیری را ارائه کرده که در آن شبکه‌های یادگیری وجود دارد. این شبکه‌های مبتنی بر عقاید پسامدرنیستی، در کنار بازارهای یادگیری که مبتنی بر عقاید مدرنیستی است و تدارک آموزش رسمی‌تر که مبتنی بر لیبرال دموکراسی است، ایجاد و در اختیار اعضای جامعه قرار می‌گیرد (ادواردز و همکاران، ۲۰۰۲: ۹) تا افرادی که بیشتر علاقه‌مند یادگیری هستند، بتوانند در یک محیط یادگیری باز، خود به مطالعه مشغول شوند. اسمیت (۲۰۰۲: ۶)، کوهن و لیستر (۲۰۰۳: ۶۵) و بسیاری از نظریه‌پردازان، مدل جامعه یادگیری به عنوان شبکه‌های یادگیری ادواردز را پذیرفته‌اند.

در عمل نیز با توجه به این واقعیت که اکنون در جهان هیچ جامعه‌ای وجود ندارد که کاملاً در شرایط مدرن یا پسامدرن به سر برد، اغلب دولت‌ها از رویکرد

جدید محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی را ایجاد می‌کند که دارای همپوشانی هستند. این شبکه‌های یادگیری، آموزش را به محور اصلی فعالیت جامعه تبدیل می‌کنند و در آن ایده‌های بازار و شهروند مصرف‌کننده پیروی می‌شود (مورفی، ۲۰۱۰: ۵۱). در این جامعه، یادگیری امری فردی است و مهمترین عامل محرک آن، علاقه و انگیزه یادگیرنده است و دولت و موسسات آموزشی نقش کمی دارند (فیلد، ۲۰۰۴: ۱۰).

کدام مفهوم و مدل از جامعه یادگیری؟

مرور دیدگاه‌ها و مدل‌های جامعه یادگیری، برخی از صاحب‌نظران مانند هاگز و تایت^۱ (۱۹۹۸) را بر آن داشته تا اعلام کنند ایده جامعه یادگیری، افسانه‌ای برای مدرنیته است. در اکثر بیانیه‌های خط مشی برای تحقق جامعه یادگیری، ادراکات انبساطی و شغلی از آموزش جای گرفته است و فرآیندهای آموزش لیبرال و رهایی بخش کمتر دنبال می‌شود (ص ۱۸۸). در مقابل، عده دیگری با بررسی جهانی شدن و پیامدهای آن نتیجه گرفته‌اند، نظام جهانی شده‌ای که اکنون در آن قرار داریم، به جامعه یادگیری و یادگیری مادام‌العمر نیاز دارد و انکار این نیاز غیر واقع‌بینانه خواهد بود (جارویس، ۲۰۰۸: ۱۹۷). متفکرانی مانند استرین و فیلد (۱۹۹۸) توصیه می‌کنند اگر چه این ایده تاکنون، در عمل توسط اتحادیه‌های کارگری، دولت‌های ملی و مؤسسات مالی جهانی مورد سوء استفاده قرار گرفته است، اما نباید در کنار گذاشتن این ایده شتابزده عمل کرد (ص ۱۰۲). بنابراین، در مورد ضرورت تلاش برای رسیدن به جامعه یادگیری شکی نیست (اسمیت، ۲۰۰۲: ۶). اکنون بسیاری از تئوری‌پردازان نگاه اقتصادی به یادگیری مادام‌العمر و افراط در پذیرش جامعه یادگیری به عنوان بازار یادگیری را رد کرده‌اند

^۱ Hughes and Tight

مدل‌های موجود است و از لحاظ روش، از نوع توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری شامل دو گروه است: گروه اول، مدیران، معاونان و اعضای هیأت علمی مشغول به کار در دانشگاه‌های دولتی شهرهای اصفهان، تهران و شیراز در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ هستند. ملاک انتخاب آنان داشتن سابقه تدریس، مدیریت و پژوهش درباره موضوع تحقیق و موضوعات وابسته به آن است.

گروه دوم، صاحب‌نظران آموزش عالی هستند که در مؤسسات وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، از جمله مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، مرکز تحقیقات سیاست‌های علمی کشور، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، کمیسیون ملی آیسکو در ایران و انجمن آموزش عالی مشغول به کار بوده، در زمینه موضوع پژوهش و موضوع‌های وابسته به آن، از جمله جامعه دانایی محور، یادگیری مادام‌العمر و سازمان یادگیرنده، صاحب اثر و تألیف هستند و در این زمینه حداقل یک پژوهش انجام داده‌اند یا یک مقاله علمی چاپ شده دارند. اکثر این صاحب‌نظران افرادی هستند که مطالعات اولیه لازم برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های کلان آموزش عالی، مانند سیاست‌ها و راهبردهای مربوط به آموزش عالی در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را انجام داده‌اند. افراد این جامعه که ۹۸ نفر بودند، بر اساس راهبرد نمونه‌گیری هدفمند، از سه طریق بررسی متون فارسی و جستجوی پژوهش‌ها، مراجعه به سوابق علمی اعضای هیأت علمی موجود در سایت دانشگاه‌ها و نظرخواهی از متولیان آموزش عالی (روش زنجیره‌ای^۳)، شناسایی شدند.

ترکیب مدل‌های جامعه یادگیری استقبال کرده‌اند (هولفرد، جارویس، ۲۰۰۰؛ به نقل از آستین: ۶۴۸). البته، اندیشمندان پیروی کورکورانه از این کار را مورد انتقاد قرار داده‌اند. ایشان معتقدند برای آنکه جامعه انسانی به جامعه یادگیری واقعی تبدیل شود، توجه به چند نکته ضروری است. اول آنکه یک مدل واحد ایده‌آل جامعه یادگیری که برای تمام کشورها مناسب باشد، وجود ندارد. باید مدل و راهبردی تهیه شود که متناسب با میراث فرهنگی و ملی و ویژه هر ملت باشد و خط مشی‌ها بر اساس شرایط و نیازها تهیه شوند (تایجنمن، ۲۰۰۲: ۲۶). دوم آنکه، همان‌طور که ادواردز و همکاران (۲۰۰۲) یادآوری می‌کنند، مطالعه نظری برای تهیه خط مشی و مدل کافی نیست؛ برای تدوین مدل مناسب و خط‌مشی اثربخش شناسایی مسایل و چالش‌های موجود لازم است (ص ۲). سوم آنکه، تأکید بر فردگرایی در جامعه یادگیری، نباید موجب افراط و تفریط شود. این مسؤلیتی است که باید میان تمام اجزای جامعه، اعم از دولت، کارفرمایان، اتحادیه‌های تجاری، سازمان‌های داوطلب و افراد تقسیم شود (کافیلد^۱، ۱۹۹۸: ۵۲-۵۳). همچنین، تحقق جامعه یادگیری نیازمند رواج فرهنگ یادگیری مادام‌العمر است. همه افراد واقعاً سهیم در این فرهنگ، باید آن را تعریف کنند و از آن حمایت نمایند و نباید تحقق آن فقط به عهده دولت گذاشته شود (اسمیت و اسپورلینگ، ۱۹۹۹: ۵۲؛ کافیلد، ۱۹۹۸: ۴۶؛ هیلاند^۲، ۲۰۰۳: ۱۲۰).

روش تحقیق

پژوهش کیفی حاضر براساس معیار هدف، پژوهشی توسعه‌ای است، زیرا هدف آن افزودن مدلی مبتنی بر مبانی فلسفی دین اسلام و فرهنگ ایرانی به مجموعه

^۳ روش زنجیره‌ای در تحقیق کیفی، روشی است که در آن محقق با افراد مطلع مشورت می‌کند تا آنها موارد مناسب تحقیق را معرفی نمایند. ممکن

^۱ Coffield

^۲ Hyland

با توجه به راهبرد نمونه‌گیری هدفمند و به منظور حصول معیار اشباع نظری^۱ و تکرار پذیری^۲ (گال و همکاران، ۱۳۸۳: ۵۰۴) برای همه افراد شناسایی شده به عنوان جامعه آماری، دعوتنامه‌ای مبنی بر موافقت با شرکت در مصاحبه ارسال گردید. سرانجام ۲۴ نفر (۹ نفر از صاحب‌نظران و ۱۵ نفر از مدیران و اعضای هیأت علمی) موافقت خود را اعلام نمودند. دیدگاه‌های این نمونه، با ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته جمع‌آوری گردید.

برای انجام مصاحبه‌ها، راهنمای مصاحبه تهیه گردید و اعتبار محتوایی^۳ آن توسط همکاران پژوهش و هفت نفر از دانشجویان دوره دکتری و اعضای هیأت علمی گروه علوم تربیتی تأیید شد. علاوه بر این، برای افزایش قابلیت اطمینان و تعمیم‌پذیری نتایج مصاحبه، از روش سه سو سازی استفاده شده است. برای این منظور، از یافته‌های مطالعه اسناد و مدارک برای تأیید صحت یافته‌های مصاحبه و پرسشنامه بهره گرفته شد. علاوه بر این، نتایج طبقه‌بندی‌ها و تحلیل مصاحبه‌ها به تأیید همکاران پژوهش رسید. برای کاوش به وسیله مصاحبه شونده‌گان، متن پیاده شده مصاحبه‌ها، به آنان بازگردانده شده و خواسته شد تا هر گونه اصلاح، تغییر یا نظر جدیدی دارند، اعلام کنند. سپس، متن پیاده شده تمام ۲۴ مصاحبه با روش مقوله بندی موضوعی تجزیه و تحلیل شدند. مطابق این روش، متن‌ها به دقت مطالعه شده و دیدگاه‌های مربوط به ضرورت جامعه یادگیری، مفهوم و ویژگی‌های جامعه یادگیری، راهکارهای تحقق این جامعه و موانع تحقق آن، با ذکر کد اختصاص یافته به هر یک از

است تمام یا برخی از موارد معرفی شده، در نمونه گنجانده شوند (گال و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۹۳).

¹ theoretical saturation
² replication
³ content validity

مصاحبه‌شونده‌گان در کنار یکدیگر قرار گرفتند. سپس، با مرور آنها جملات و عبارات معنا دار مشخص شده و جمله‌های دارای معنای مشابه در تمام مصاحبه‌ها کنار یکدیگر قرار گرفتند و مطابق با مفهوم مستتر در آنها، برایشان، کد یا نامی در نظر گرفته شد. پس از آن با مروری مجدد، کدهای مشابه در کنار یکدیگر قرار گرفتند و مقوله‌های بزرگتر تشکیل شد. کار ادغام و دسته‌بندی مقوله‌ها تا رسیدن به یک نظام مقوله‌بندی مناسب ادامه یافت. این نظام با نظارت همکاران پژوهش بازنگری شد و براساس آن تمام مصاحبه‌ها تجزیه و تحلیل گردید و در گزارش پژوهش، نتایج به وسیله نقل قول مستقیم و غیر مستقیم بررسی شد.

یافته‌های پژوهش

در سال‌های اخیر، صاحب‌نظران ایرانی هر چه بیشتر متوجه ضرورت و اهمیت بستر سازی برای تحقق جامعه یادگیری شده‌اند. صاحب‌نظران شرکت کننده در مصاحبه‌های این پژوهش نیز همگی بر اهمیت چنین تلاشی اصرار داشته، برای آن دلایلی مانند نیاز فطری به یادگیری، الزام‌های فناورانه زندگی در عصر حاضر، تغییر و تحول در بازار کار، وجود پشتوانه‌های فرهنگی و زیستن در عصر دانش را مطرح نموده‌اند. طبق نظر ۱۵ نفر از مصاحبه شونده‌گان (۶۳ درصد) مهمترین دلیل ضرورت جامعه یادگیری، آن است که ما در قرنی زندگی می‌کنیم که به آن قرن دانش و قرن یادگیری می‌گویند و بسیاری از کشورها پذیرفته‌اند که برای رسیدن به توسعه باید به جامعه دانش تبدیل شوند. کشور ما نیز در سند چشم‌انداز بیست ساله و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی چهارم و پنجم مسیر خود را رسیدن به توسعه دانش محور یا دانایی محور انتخاب کرده است. مصاحبه شونده‌گان معتقدند اگر این تعریف از جامعه

یادگیری ایجاد شود. باید مشخص کنیم آیا یادگیری برای یادگیری، حقیقت مطلوب ماست یا یادگیری برای رسیدن به یک هدف و عمل دیگر مد نظر است، آن وقت تعریف ما از جامعه یادگیری متفاوت خواهد بود (فرد شماره ۲۲، مهر ۸۹).

یادگیری و هدف از آن را از دو بعد می‌توان بررسی نمود: از بعد فردی، یادگیری مثل نفس کشیدن، جزیی یا بخشی از زندگی انسان است (فرد شماره ۲۴، آذر ۸۹). زمان مرگ انسان‌ها وقتی فرا می‌رسد که نمی‌توانند یاد بگیرند (فرد شماره ۲۱، شهریور ۸۹). از این دیدگاه، یادگیری باید تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار انسان‌ها به وجود آورد که بر اثر تجربه حاصل شده باشد. بنابراین، همه انسان‌ها از همان لحظه که بیدار می‌شوند، یاد می‌گیرند و تغییراتی بر اثر تعامل با جامعه و محیط در رفتارشان ایجاد می‌شود. امروزه انسان‌ها، نسبت به افرادی که پنجاه یا صد سال پیش زندگی می‌کرده‌اند، به دلایل مختلف تحت تأثیر تجارب شدیدتری قرار دارند. این شرایط باعث شده تا انسان‌ها بیشتر در معرض اجبار برای یادگیری قرار داشته باشند (فرد شماره ۲۱، شهریور ۸۹). طبق نظر مصاحبه شونده شماره ۸ می‌توان گفت «جامعه یادگیری جامعه‌ای است که در آن همه افراد انگیزه یادگیری دارند و صرف نظر از آنچه باید بخوانند یا خوانده‌اند، یا جزو وظایفشان است که بخوانند، باز هم برای اندوختن دانش یا سازگار کردن دانش قبلی خودشان با آنچه در آینده مورد نظر است، فعالیت می‌کنند (فرد شماره ۲۳، خرداد ۸۹) تا به هدف‌های فردی خود برسند و امورشان بگذرد و به حیاتشان ادامه دهند (فرد شماره ۲۱، شهریور ۸۹).

در مقابل، طبق نظر ۱۸ نفر از مصاحبه شونده‌گان (۷۵ درصد) جامعه یادگیری به یادگیری در قلمرو زندگی اجتماعی و اهداف اجتماعی آن توجه دارد. مصاحبه شونده شماره ۲ توضیح می‌دهد، در جامعه یادگیری،

دانش پذیرفته شود، جامعه‌ای که در آن فرآیندهای تولید، انتقال، ترویج، اشاعه، ذخیره‌سازی، کدبندی و بهره‌برداری از دانش به حداکثر رسیده باشد، برای آنکه چنین جامعه‌ای ایجاد شود، باید افراد به دانش دسترسی داشته باشند و بتوانند از آن بهره‌برداری کنند (فرد شماره ۵، خرداد ۸۹) و فراتر از آن در تولید دانش سهیم شوند (فرد شماره ۲۱، شهریور ۸۹). بنابراین، باید همواره در حال یادگیری باشند. برای تبیین جامعه یادگیری، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به سه سؤال است:

۱- مفهوم جامعه یادگیری چیست؟

۲- جامعه یادگیری دارای چه ویژگی‌هایی است؟

۱ - راهکارهای تحقق جامعه یادگیری در ایران چیست؟ در ادامه یافته‌ها با توجه به سه سؤال مطرح شده، ارائه می‌گردد:

سؤال اول: مفهوم جامعه یادگیری ایرانی

در یک مفهوم کلی می‌توان گفت جامعه یادگیری، جامعه‌ای است که در آن هر کس به هر نوع آموزشی که نیازمند است، در هر زمان و مکانی می‌تواند دسترسی داشته باشد (فرد شماره ۳، خرداد ۸۹)، اما برای تعریف دقیق‌تر، مصاحبه شونده‌گان معتقدند اول باید تغییر جهتی از آموزش به سوی یادگیری را دنبال کنیم. در جامعه یادگیری، آموزش مدنظر نیست، بلکه آنچه مورد توجه قرار دارد «یادگیری» است و آموزش یک ابزار یا سکو برای یادگیری است. مصاحبه شونده شماره ۱۱ معتقد است باید روی این مسأله تأکید جدی داشته باشیم (تیر ۸۹). پس از آن باید مفهوم مورد نظر از یادگیری و هدف از آن را مشخص نمود:

باید بتوانیم اهدافمان را از فضای یادگیری مشخص کنیم تا بعد بتوانیم تعیین کنیم که چگونه می‌توانیم این یادگیری را محقق کنیم. چگونه می‌تواند مراتب این

می‌سازد تا هر کس در هر موقعیتی که قرار دارد، بتواند به دانش مورد نیازش دسترسی پیدا کند و از آن برای ظرفیت‌سازی در خودش و جامعه استفاده نماید (فرد شماره ۵، خرداد ۸۹).

در مجموع، همان‌طور که مصاحبه‌شونده‌های شماره ۱۳ و ۲۲، تأکید می‌کنند: «جامعه‌یادگیری، جامعه‌ای است که در آن هر فرد خود‌انگیخته، برای هدفی بالاتر و یک مقصود متعالی‌تر، به دنبال یادگیری می‌رود. او برای آنکه بتواند واقعاً رشد کند، ترقی کند و خود و جامعه‌اش را تعالی دهد و به کمال برساند، برای آنکه واقعاً در جامعه اثرگذار باشد و جامعه بتواند ترقی کند و توسعه یابد، به یادگیری مشغول می‌شود» (فرد شماره ۱۳، تیر ۸۹).

سؤال دوم: ویژگی‌های جامعه‌یادگیری ایرانی

به عقیده مصاحبه‌شوندگان، با چنین رویکردی به یادگیری، جامعه‌یادگیری فقط مجموعه‌ای از افراد یادگیرنده نیست، بلکه مجموعه‌ای دارای چندین ویژگی است که بر اساس تأکید مصاحبه‌شوندگان باید متناسب با مبانی فلسفی و شرایط هر کشور تبیین شوند:

درباره جامعه‌یادگیری، کشورهای دیگر متناسب با شرایط و فلسفه پذیرفته شده در جامعه‌شان، برخورد کرده‌اند. واضح است فلسفه‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف در این باره، حرف‌های گوناگونی دارند. به نظر می‌آید ما نیز در تنظیم مدل جامعه‌یادگیری باید به تناسب با شرایط کشورمان و مبنای فلسفی آن، خوب توجه کنیم، زیرا آنها مانند چتری هستند که بر تمام تصمیم‌ها اثر خواهند گذاشت. این اثر، هم در صورت مدل و هم در محتوای آن خواهد بود (فرد شماره ۷، خرداد ۸۹).

از نظر مصاحبه‌شوندگان، جامعه‌یادگیری ایرانی دارای ویژگی‌هایی است که می‌توان آنها را در چهار بعد اجتماعی، علمی، فردی، فرهنگی و اقتصادی دسته‌بندی

یادگیری در سه حلقه مدنظر است: در حلقه اول افراد یاد می‌گیرند تا جامعه‌پذیر شوند؛ در حلقه دوم، هدف یادگیری این است که افراد بیاموزند تا در مورد مسایل پیرامونشان حساسیت داشته باشند و اصول و بدیهیات و اهدافی را که از پیش فرض شده است، زیر سؤال ببرند و اگر لازم بود، آنها را تغییر دهند؛ در حلقه سوم، هدف از یادگیری آن است که افراد یاد بگیرند در طول زندگی چگونه یاد بگیرند و بتوانند آنچه برای زندگی فردی و اجتماعی‌شان لازم است، بیاموزند و به توسعه خودشان و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، کمک نمایند (فرد شماره ۲، خرداد ۸۹). مصاحبه‌شونده شماره ۱ توضیح می‌دهد، در جامعه‌یادگیری افراد برای دستیابی به نتایج مورد علاقه خود یاد می‌گیرند و به گسترش توانمندی‌های خود می‌پردازند. افراد همواره یاد می‌گیرند که چگونه یاد بگیرند، اما در محیطی جمعی، شیوه اندیشیدن پرورش داده می‌شود، بینش مشترک تشویق می‌شود و افراد می‌توانند تمایلات جمعی را آزادانه بیان کنند (فرد شماره ۱، خرداد ۸۹). افراد تشویق می‌شوند تا نتایج، عقاید، نظرها و دانش خود را با دیگران در میان بگذارند و یادگیری گروهی داشته باشند (فرد شماره ۲، مهر ۸۹). طبق نگاه مصاحبه‌شونده شماره ۵، مهمترین کلید پیشرفت و توسعه جامعه، یادگیری است، زیرا یادگیری وسیله‌ای برای ظرفیت‌سازی در انسان‌هاست. وی ادامه می‌دهد:

به نظر من، ظرفیت‌ها و استعداد‌های انسانی با ظرفیت یادگیری در جامعه رابطه مستقیم دارد. بنابراین، جامعه‌یادگیری، جامعه‌ای است که می‌خواهد از منابع خود تا حد اکثر ممکن استفاده کند و آنها را به بالاترین حد از ظرفیت و استعدادشان برساند و چون یادگیری مهمترین عامل این ظرفیت‌سازی است، زیر ساخت‌های دانش را در خودش ایجاد می‌کند و شرایطی را فراهم

نمود. در ادامه، توضیحاتی درباره هر یک از ابعاد مذکور ارائه می‌گردد:

الف) ویژگی‌ها در بعد اجتماعی

هفده نفر از مصاحبه‌شوندگان (۷۱ درصد) به ویژگی‌های اجتماعی جامعه یادگیری ایرانی اشاره کردند. این ویژگی‌ها شامل گسترش عدالت اجتماعی، حمایت و ترویج عقلانیت جمعی و نقادی، تشویق شهروند فعال و حفظ و تقویت انسجام اجتماعی است که در ادامه توضیحاتی در خصوص هر کدام ارائه می‌گردد:

۱ - گسترش عدالت اجتماعی: آموزه‌های دین اسلام و عقل و تجربه سایر کشورها حکم می‌کند که عدالت آموزشی مقدمه عدالت اجتماعی است. طبق تعریف مصاحبه‌شونده شماره ۱۹، عدالت عبارت است از آنکه همه افراد در بهره‌برداری از امکانات اجتماعی فرصت برابر داشته باشند و برای استفاده از آنها با هم رقابت کنند. شرط رقابت در بهره‌برداری از این فرصت‌ها، برخوردار بودن از سطح بالاتری از آموزش است. اگر جلوی فردی را به هر بهانه‌ای بگیرند، این برخلاف عدالت است (مرداد ۸۹). مصاحبه‌شونده شماره ۵، توضیح می‌دهد: «در دنیای امروز آموزش و یادگیری یک مزیت است و مهمترین مزیت در رقابت است. بنابراین، از نظر من جامعه یادگیری، جامعه‌ای است که برای آنکه عدالت برقرار کند، یعنی به توانمندسازی مردم و ظرفیت‌سازی در آنها پردازد و به مردم فرصت دهد تا استعدادهای خودشان را بروز دهند و هر چه بیشتر بتوانند در جامعه از فرصت‌های اجتماعی بهره ببرند، اساساً آموزش را از حالت آماده‌کردن برای بازار کار خارج کرده است و آموزش جزو ویژگی‌های اساسی آن شده است» (فرد شماره ۵، خرداد ۸۹). مصاحبه‌شونده شماره ۱۹ (مرداد ۸۹) اظهار داشت، این جامعه شامل تمام قشرها و گروه‌های سنی مختلف است و هر کدام از

آنها در هر رده سنی ویژگی‌های خاص خود را دارند. علاوه بر این، آنها از لحاظ شرایط شخصیتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوتند. در کشور ما، تنوع ویژگی‌ها و شرایط حتی در منطقه‌ای خاص، صفتی بارز و آشکار است. در نتیجه، جامعه یادگیری با توجه به این تنوع باید آموزش‌های متنوعی را فراهم کند تا عدالت اجتماعی برقرار شود.

۲ - حمایت و ترویج عقلانیت جمعی و نقادی:

جامعه‌ای که یادگیری جزو خصوصیات آن باشد، از تفکر جمعی حمایت می‌کند، زیرا می‌داند که دانایی نزد یک نفر قابل تجمع و انباشت نیست. می‌داند دانایی پراکنده است و همه چیز را همگان می‌دانند (فرد شماره ۱۵، تیر ۸۹). چنین جامعه‌ای از نگاه مصاحبه‌شونده شماره ۵، معتقد است تبادل اطلاعات و دیدگاه‌ها می‌تواند راهگشای مسایل توسعه در آینده باشد. هنگام بروز هر مسأله‌ای، همه افرادی که در زمینه آن دانش، تجربه و تخصص دارند، کنار هم گردآمده، تبادل نظر می‌کنند و با استفاده از اطلاعات موجود در سیستم‌های اطلاعاتی، راه‌حل‌های مناسب را پیدا می‌کنند (خرداد ۸۹). به تعبیر سه نفر از مصاحبه‌شوندگان (۱۳ درصد) جامعه یادگیری، جامعه‌ای نقدکننده و نقدپذیر است. درون آن از فرد نقدکننده، حمایت شده و برای آن، تضمین‌های لازم قانونی پیش‌بینی می‌شود. در این نوع جامعه، دانایی اشاعه داده می‌شود که طبق تعریف مصاحبه‌شونده شماره ۱۴، علم پالوده یا دانش به چالش کشیده شده است تا تبدیل به دانش منطقی شود. وی ادامه می‌دهد، اکنون دانش به صورت دایره‌المعارف در فایل‌های الکترونیکی همه جا موجود است و هر کس می‌تواند آنها را پیدا کند، ولی چیزی که هم‌اکنون خیلی مهم است، برخورد توأم با دانایی یا عقلانیت است. بنابراین، جامعه یادگیری از یاد گرفتن چگونه یاد گرفتن،

چگونگی دسترسی به اطلاعات، زمان مناسب برای دسترسی به آنها، چگونگی پردازش اطلاعات و به کار گرفتن آنها حمایت می‌کند. در جامعه دانایی محور این مهارت‌ها لازمند و جامعه یادگیری آنها را پرورش می‌دهد (فرد شماره ۱۴، تیر ۸۹).

۳ - تشویق شهروندی فعال: از نظر ۵ نفر از مصاحبه شونده‌گان (۲۰ درصد) جامعه یادگیری، شهروندی را که نسبت به جامعه‌اش احساس تعهد می‌کند، در آن مشارکت فعال دارد و در پیشرفت آن مشارکت می‌کند، پرورش می‌دهد (فرد شماره ۱۰، خرداد ۸۹). این جامعه، در فرایند یادگیری رسمی و غیر رسمی سه هدف عمده را دنبال می‌کند: اول، تغییر در باورها، نگرش‌ها و رفتار افراد تا کسانی تربیت شوند که دارای روحیه یا نگرش علمی باشند؛ دوم، تلاش برای آنکه افرادی خلاق، نوآور و چارچوب شکن پرورش داده شوند که هدف‌های سیاسی - اجتماعی جامعه را نقد کنند، بدیهیات را فرض نکنند و آنها را زیر سؤال ببرند؛ سوم، درصدد پرورش افرادی است که یادگیری مادام‌العمر داشته باشند، خودشان بتوانند خود بسنده در یادگیری باشند و راه‌های یادگیری را امتحان کنند. بنابراین، ترکیبی از این سه هدف را در طرح‌ها و روش‌هایش دنبال می‌کند (فرد شماره ۲، خرداد ۸۹). چنین جامعه‌ای برای تشویق افراد به یادگیری و مشارکت فعال در توسعه جامعه، از انگیزه تعالی و پیشرفت استفاده می‌کند. اعضای جامعه به اعتبار انسان بودنشان خواهان تعالی و ترقی و پیشرفت نه تنها خودشان، بلکه جامعه‌شان هستند (فرد شماره ۱۵، تیر ۸۹). البته، نیاز به پیشرفت به قلمرو ملی محدود نمی‌شود (تیر ۸۹). بنابراین، جامعه یادگیری به انسان آگاه یا شهروند جهانی می‌اندیشد که می‌تواند سایر جوامع را درک کند و از آنها یاد بگیرد و تنوع و تکثر را افزایش دهد (فرد شماره ۱، خرداد ۸۹).

۴ - حفظ و تقویت انسجام اجتماعی: مصاحبه شونده شماره ۷، تأکید می‌کند «جامعه یادگیری»، جامعه‌ای است که از مرحله عقلانیت جمعی هم فراتر می‌رود. در این جامعه، یادگیری تنها به منظور توانایی گفتگو و رسیدن به راه‌حل‌های جمعی توسعه داده نمی‌شود، بلکه یادگیری جمعی تشویق می‌شود، زیرا به انسجام جامعه کمک می‌کند و یکپارچگی به وجود می‌آورد. افراد احساس می‌کنند به هدفی مشترک رسیده‌اند و همدیگر را درک می‌کنند. فهمیدن یکدیگر، یکی از ارکان جامعه یادگیری است (فرد شماره ۷، خرداد ۸۹). مصاحبه شونده شماره ۲۳، معتقد است جامعه یادگیری جامعه‌ای است که در عمل، به انسجام در هدف نهایی دست یافته است. آن، در حقیقت جامعه‌ای انسانی در تمام ابعادی است که ما برای جامعه انسانی تعریف می‌کنیم. در این جامعه، یادگیری فرآیندی برای دستیابی به ارتقاء اخلاقی، اعتقادی و رفتاری جامعه است. در این جامعه، یک سری از اطلاعات که ما را در رسیدن به یک اخلاق شایسته راهنمایی می‌کند، مطالبی که ما را به یک عقیده شایسته رهنمون می‌کند و رفتارهایی که ما را در کارکرد فردی و اجتماعی موفق می‌کند، آموزش داده می‌شوند. بنابراین، یادگیری جریانی است که به کمالات انسانی منجر می‌شود که او را به ارتقای روحی و معنوی که حقیقت جریان تعبد و بندگی خداوند در جامعه اسلامی است، رهنمون می‌شود. ویژگی بارز این جامعه فضای یادگیری جمعی یا فرهنگ یادگیری است که در آن یک مجموعه شاخص‌های اخلاقی و اعتقادی تعریف شده است و مطابق با آنها باید رفتارهای اجتماعی ارتقا یابد و همه آنها در مسیری واحد؛ یعنی بندگی خداوند هدایت شود (فرد شماره ۲۳، مهر ۸۹).

ب) ویژگی‌ها در بعد فردی

(خرداد ۸۹) جامعه یادگیری نه تنها تمرکز اصلی خود را بر کودکان و نوجوانان و جوانان می‌گذارد، بلکه با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات طرح‌های یادگیری پس از آموزش عمومی و تکمیلی را برای گروه‌های مختلف طراحی می‌کند تا استعدادهای بالقوه بخش زیادی از جامعه به فعلیت برسد.

۲ - ایجاد انگیزه یادگیری: اگر چه انسان دارای توانایی و ظرفیت یادگیری در درون است، اما گاهی به دلایل مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از این توانایی خود غافل است، به آن توجهی ندارد یا از بروز آن خودداری می‌کند. در نتیجه، برای آنکه آنها از این ظرفیت برای رشد و ارتقای خود و جامعه استفاده کنند، به ایجاد انگیزه و برانگیخته شدن نیاز دارند. در این زمینه مصاحبه شونده‌ای اظهار داشت:

ممکن است خیلی‌ها بگویند جامعه در حرکت تکاملی خودش نیازهای یادگیری را می‌آفریند و این نیازهای تازه توسط افراد درک می‌شود. در نتیجه، به آموزشی روی می‌آورند که فرصتش فراهم است. اما همیشه این طور نیست، در یک طرف، امکاناتی که دولت، نظام آموزشی و جامعه در اختیار افرادش قرار می‌دهد، وجود دارد و از طرف دیگر، هم خود افراد جامعه هستند که آیا می‌خواهند از امکانات استفاده کنند یا نه؟ انگیزه لازم را دارند یا نه؟ (فرد شماره ۳، خرداد ۸۹).

برای تحقق جامعه یادگیری، متولیان سیاست‌گذاری در نظام آموزشی، علاوه بر اینکه پیش‌بینی می‌کنند فرصت‌های برابر ایجاد کنند، از آن طرف هم باید انگیزه‌های لازم را برای افرادی که این فرصت‌ها برایشان فراهم شده، پدید آورند تا از آنها استفاده کنند (فرد شماره ۳، خرداد ۸۹).

۳ - پرورش توانایی خود رهبری در یادگیری: به عقیده سه نفر از مصاحبه شونده‌گان (۱۳ درصد) شرط موفقیت

هفت نفر از مصاحبه شونده‌گان (۲۹ درصد) ویژگی‌های جامعه یادگیری را در بعد فردی شامل زمینه سازی برای افزایش احساس رضایت از خود یا توسعه فردی، ایجاد انگیزه یادگیری و پرورش توانایی خود رهبری در یادگیری دانسته و توضیحاتی به شرح زیر درباره آنها ارائه داده‌اند:

۱ - افزایش احساس رضایت از خود: حامیان یادگیری مادام‌العمر تأکید دارند انسان موجودی است که دارای استعدادهای بالقوه بسیاری است و یادگیری، ظرفیت یا توانایی درونی است که به او اجازه می‌دهد، استعدادهای بالقوه‌اش را به فعلیت برساند. بنابراین، مصاحبه شونده شماره ۵ تأکید کرد انسان‌ها چاره‌ای ندارند جز اینکه همواره در حال یادگیری باشند (خرداد ۸۹). جامعه یادگیری از این واقعیت آگاه است که همه اعضای آن در ضمیر و نهاد خود این را حق خود می‌دانند که به آموزش دسترسی داشته باشند و شعور مردم، خودآگاه یا ناخودآگاه به آنها اجازه نمی‌دهد که توقف یادگیریشان را بپذیرند (فرد شماره ۵، خرداد ۸۹). از این رو، مستقل از اینکه حجم بازار کار و ظرفیت اقتصادی کشور چقدر است، سیاست توسعه کمی فرصت‌های یادگیری و آموزش را دنبال می‌کند تا افراد احساس کنند به حق خود رسیده‌اند. جامعه این امکان را فراهم می‌کند تا افراد بتوانند به نتایج مورد علاقه خود برسند (فرد شماره ۱، خرداد ۸۹) همچنین، شیوه‌های نوین اندیشیدن و یادگیری را تشویق می‌کند تا افرادی تربیت شوند که می‌توانند از مجموعه آنچه در اطرافشان هست، اعم از دانش یا امکانات، در جهت بهبود زندگی و رفاه و سعادت خود و جامعه‌شان استفاده کنند (فرد شماره ۱۷، تیر ۸۹، فرد شماره ۸، تیر ۸۹) و در مواجهه با شرایط جدید و چالش‌هایی که برایشان به وجود می‌آید موفق باشند (فرد شماره ۲۱، شهریور ۸۹). به عقیده مصاحبه شونده شماره ۶

یادگیری غیر رسمی در پاسخ به نیازهای اقشار مختلف، توجه به نقش یادگیری اتفاقی، اتخاذ راهبردهایی برای حفظ کیفیت روش و محتوای یادگیری و استفاده از توانایی بالقوه فناوری اطلاعات و ارتباطات است. مصاحبه شونده‌گان درباره آنها توضیحاتی بیان داشته‌اند که در ادامه مرور می‌شود:

۱ ارتباط درونی میان بخش‌های مختلف آموزش رسمی: به گفته سه نفر از مصاحبه شونده‌گان (۱۳ درصد) یادگیری فرآیندی است که از گهواره تا گور ادامه دارد. بنابراین، میان آموزش و پرورش و حتی آموزش پیش دبستانی با آموزش عالی و آموزش‌های رسمی بعد از آن باید ارتباط وجود داشته باشد. در این زمینه مصاحبه شونده شماره ۱۶ تذکر می‌دهد، تاکنون، آموزش عالی کاری نداشته که در آموزش و پرورش چه می‌گذرد؛ آموزش و پرورش هم با آموزش عالی ارتباطی نداشته است. هر کدام از آنها مطابق با دستورالعمل ابلاغ شده، عمل کرده‌اند. چنین وضعیتی نمی‌تواند جامعه یادگیری را به وجود آورد. باید دقت داشت، در این جامعه، آموزش عالی یا آموزش و پرورش تنها یکی از اجزای اصلی نظام یادگیری است که هم بر بخش‌های دیگر درگیر در یادگیری مؤثر است و هم از آنها تأثیر می‌پذیرد (فرد شماره ۱۶، تیر ۸۹). در واقع، آنها یک بخش از پیوستار نظام آموزشی را تشکیل می‌دهند که مسیر واحدی را به سمت هدف جامعه یادگیری طی می‌کنند. در نتیجه، همه نهادهای مسئول تدارک این آموزش‌ها باید با یکدیگر ارتباط درونی داشته باشند» (فرد شماره ۲۲، مهر ۸۹؛ فرد شماره ۱۲، تیر ۸۹).

۲ توسعه آموزش غیررسمی متناسب با نیازهای همه اقشار: طبق نظر پنج نفر از مصاحبه شونده‌گان (۲۰ درصد) جامعه یادگیری، همه اقشار اعم از تحصیل کرده‌های دانشگاهی تا عامه مردم محروم از سواد را

جامعه یادگیری، پرورش توانایی خود رهبری در یادگیری است. علت آن این است که با ورود فناوری به خصوص فناوری اطلاعات و ارتباطات، به تدریج در ایران هم مثل کشورهای غربی، افراد در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که از آنها انتظار دارد بتوانند منعطف باشند و متناسب با تغییر شرایط زندگی، خود را سازگار کنند. آنها باید بتوانند خودآموز و خود رهبر باشند. لذا باید مهارت‌های مربوط به آن آموزش داده شود (فرد شماره ۱۴، تیر ۸۹). مصاحبه شونده شماره ۱۷ تأکید می‌کند برای آنکه جامعه یادگیری به وجود آید، باید یک آدم مستقل و از نظر علمی جنگیده و چالش‌پذیر و بشاش تربیت کنیم که واقعاً مسؤولیت انتخاب و تصمیم جدیدش را بپذیرد و بتواند از آن دفاع کند. فردی که چنین روحیه‌ای دارد در بزرگسالی خودش یادگیرنده است. او یادگرفته هر جا با مشکلی روبه رو شد، خودش راه حل پیدا کند و آن را رفع نماید یا اگر ابزارش را نداشت، می‌داند از چه کسی کمک بگیرد. ایشان ادامه می‌دهد: «این جامعه یادگیری جامعه‌ای نیست که در آن هر کس به دیگران وابسته باشد تا به او چیزی یاد دهد، بلکه هرکس خودش برای خود برنامه‌ریزی می‌کند و زمان خود را مدیریت می‌کند. در واقع، او خود رهبر است» (فرد شماره ۱۷، تیر ۸۹). بنابراین، جامعه یادگیری دارای دو ویژگی بارز است: اول اینکه، افراد آن چگونگی یادگرفتن را آموخته‌اند؛ دوم اینکه، چون از توانایی خود رهبری برخوردارند، به آنها آزادی انتخاب یا حق انتخاب داده می‌شود (فرد شماره ۱، خرداد ۸۹).

ج) ویژگی‌ها در بعد علمی

به عقیده ۲۰ نفر از مصاحبه شونده‌گان (۸۳ درصد) جامعه یادگیری در بعد علمی دارای پنج ویژگی، شامل: وجود ارتباط درونی میان بخش‌های آموزش رسمی، توجه به

بیشتر آن تحت تأثیر روابط بین فردی، روابط خانوادگی، روابط نهادی و سایر روابطی قرار دارد که انسان در معرض آنهاست. با این معنا، انسان به عنوان یک موجود، از هر آنچه با آن ارتباط دارد، یاد می‌گیرد.

به این نوع یادگیری، یادگیری اتفاقی می‌گویند. جامعه یادگیری به نقش آن در کل مجموعه یادگیری رسمی، غیر رسمی و اتفاقی توجه دارد و آن را به حساب می‌آورد (فرد شماره ۲۰، مرداد ۸۹).

۴ توجه به کیفیت روش و محتوای یادگیری: جامعه یادگیری نه تنها فرصت‌های یادگیری را گسترش می‌دهد تا به نیازهای یادگیری اعضای خود پاسخ دهد، بلکه به عقیده چهار نفر از مصاحبه‌شوندگان (۱۷ درصد) به کیفیت آنها نیز توجه دارد. از نظر مصاحبه‌شونده شماره ۱۷، ممکن است در یک جا ریاضی درس داده شود، در جای دیگر تاریخ یا هنر، اینها مهم نیست. آنچه مهم است، روش آموزشی است که این جامعه به کار می‌گیرد تا افرادی پرسشگر، خلاق، تنوع طلب، منتقد و پرتحرک پرورش دهد. شیوه‌ای را به کار می‌گیرد که شهروندانی دارای روحیه همکاری جمعی و غیره تربیت شوند (تیر ۸۹). این مصاحبه‌شونده افزود: «در مجموع، جامعه یادگیری جامعه است که منابع یادگیری آن متنوع است. روش‌های یادگیری و ابزارهای آن رشد‌یابنده، متنوع و پویاست، سطح توانایی تفکر اعضای آن هم تا حد ممکن ارتقا پیدا کرده است. در هر سه حوزه شرایط لازم برای یادگیری در سراسر دوران زندگی مهیاست» (فرد شماره ۱۷، تیر ۸۹).

علاوه بر این، هدف این جامعه از توسعه فرصت‌های یادگیری منحصر به اینکه انسان‌ها بتوانند به دانش روز دسترسی داشته باشند، نیست، بلکه نظام‌های یادگیری مستقر و فعال می‌شوند تا برای تولید دانش، ظرفیت‌سازی کنند (فرد شماره ۵، خرداد ۸۹). براساس این

شامل می‌شود که هر کدام از آنها نیازهای یادگیری خاص خود را دارند (فرد شماره ۱۳، تیر ۸۹). به همین دلیل، در جامعه یادگیری بیش از آموزش رسمی، آموزش غیررسمی توسعه داده می‌شود. مصاحبه‌شونده شماره ۲۰ توضیح می‌دهد، در این نوع جامعه، برای توسعه آموزش رسمی، دانشگاه‌هایی مثل پیام نور یا دانشگاه آزاد راه اندازی می‌گردد. علاوه بر این، برای گسترش آموزش‌های غیر رسمی، تحقیق می‌شود تا خلأها را شناسایی کنند و نیازها را بشناسند. بعد تعیین می‌کنند چه برنامه‌هایی باید برای زنان خانه‌دار بگذارند، برای کارگرهای کارخانه‌ها چه سایتی را طراحی کنند و برای سایر اقشار چه باید بکنند (مرداد ۸۹). به این ترتیب، دوره‌هایی پیش‌بینی و طراحی می‌شوند تا همه مردم برای رفع نیازشان از آنها استفاده کنند. همان‌طور که مصاحبه‌شونده شماره ۱۸ توضیح می‌دهد، جامعه یادگیری به این نیازها توجه دارد و برای مثال، دوره‌هایی کوتاه مدت با مدرک یا بدون مدرک دایر می‌کند. هر فرد با گذراندن آنها هم تحصیل کرده و هم به هدفش رسیده است، بدون اینکه لازم باشد صد و سی و چند واحد درسی را بگذراند (تیر ۸۹). البته باید همزمان، الزام‌هایی برای اقشار مختلف به وجود آید تا انگیزه مشارکت در دوره‌ها را پیدا کنند (فرد شماره ۱، خرداد ۸۹).

۳ توجه به یادگیری اتفاقی: جامعه حامی یادگیری، توجه دارد یادگیری محدود به یک فضا، یک زمان و یک مکان مشخص نیست؛ هر جایی می‌تواند یادگیری صورت گیرد. مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، (شهریور ۸۹) در این زمینه یادآوری می‌کند:

یادگیری در نظام آموزش رسمی بخش کوچکی از کل یادگیری است. الان دانش‌آموزها و دانشجویهای ما بیشتر از آنچه از کلاس درس یاد می‌گیرند، از محیط می‌آموزند. یادگیری در انسان گستردگی عجیبی دارد و

استفاده کرد» (فرد شماره ۲۱، شهریور ۸۹).

د) ویژگی‌ها در بعد فرهنگی

جامعه یادگیری ایرانی نه تنها بر الزامات و پیامدهای رشد سریع علم و فناوری و جهانی شدن تأکید دارد، بلکه بیش از آن بر تعالیم دین مبین اسلام مبتنی است و محتوا و روش‌های خود را از آموزه‌های این دین می‌گیرد، زیرا همان طور که سه نفر از مصاحبه‌شوندگان (۱۳ درصد) تأکید کردند، از لحاظ عقیدتی و پشتوانه فکری برای جامعه یادگیری بسیار قوی هستیم و برای یادگیری مادام‌العمر، گسترده‌ترین و عمیق‌ترین آموزه‌ها را در اختیار داریم (فرد شماره ۱۳، تیر ۸۹؛ فرد شماره ۳، خرداد ۸۹). برای تشویق مردم به یادگیری، امام صادق (ع) می‌فرماید که اگر مردم می‌دانستند در یادگیری علم چه فایده‌هایی وجود دارد، به دنبال آن می‌رفتند؛ حتی اگر در این راه کشته شوند (فرد شماره ۱۳، تیر ۸۹). برای تشویق یاد گرفتن در منابع اسلام گفته شده *الحکمة ضالة المؤمن*، کسی که ایمان دارد، دانش گمشده اوست و به دنبال آن می‌گردد (فرد شماره ۱۳، تیر ۸۹). برای تشویق به یاد دادن، ما دستور داریم که زکات علم نشر آن است. فردی اگر مسلمان واقعی باشد، باید زکات دانش خود را بدهد. این برای او واجب شرعی است (فرد شماره ۳، خرداد ۸۹). درباره علمی که باید یاد داده و یاد گرفته شود، آمده است «اعوذ بک من علم لا ینفع»؛ یعنی به تو پناه می‌برم از علمی که نفعی ندارد. از دیدگاه اسلام، علم نافع علمی است که «به انسان هویت می‌دهد و زندگی او را در دنیا و آخرت درست می‌کند» (فرد شماره ۱۳، تیر ۸۹). در حدیث دیگر داریم که می‌گوید: *طلب العلم فریضة علی کل مسلم*؛ یعنی علم آموزی بر هر زن و مرد مسلمان واجب است. هنگامی که کسب علم واجب شد، نوعی تکلیف است. در مقابل از نظر جامعه، این تکلیف تبدیل به حق می‌شود و شرایط جامعه باید به صورتی باشد که همه بتوانند به

هدف، جامعه برای تعیین محتوای یادگیری از تجربیات جهانی هم استفاده می‌کند، اما کاملاً خلاقانه عمل کرده، آنها را با شرایط درونی کشور تطبیق می‌دهد (فرد شماره ۷، خرداد ۸۹). این جامعه برای فراهم کردن زمینه تولید دانش، تبادل آزاد اطلاعات را ترویج می‌کند تا هر کس مهارت‌ها و دانشی را که یاد گرفته است به راحتی به دیگران منتقل نماید. اعضای جامعه تشویق می‌شوند تا تجربه‌هایشان را ثبت کنند تا به نسل‌های بعد منتقل شود (فرد شماره ۱۷، تیر ۸۹). همچنین، برای آنکه افراد یادگیرنده شوند، منابع اطلاعاتی مثل کتابخانه‌های دیجیتال یا مکتوب و سایت‌های مختلف را در دسترس‌شان قرار می‌دهد و انجمن‌هایی که بتوانند این کارها را مدیریت کنند، تشکیل می‌دهد (فرد شماره ۱۴، تیر ۸۹).

۵- استفاده از توانایی بالقوه فناوری اطلاعات و ارتباطات: سه نفر از مصاحبه‌شوندگان (۱۳ درصد) تأکید داشتند در جامعه یادگیری، ابزار اصلی برای گسترش دسترسی به دانش، ایجاد زمینه‌های یادگیری و توسعه زیر ساخت‌های یادگیری، فناوری اطلاعات و ارتباطات است. همان طور که مصاحبه‌شونده شماره ۵ می‌گوید، این فناوری‌ها مهمترین ابزاری هستند که می‌توانند شعار «آموزش برای همه در هر زمان، در هر مکان» را محقق سازند. آنها می‌توانند شبکه‌های یادگیری وسیع و پیچیده‌ای را در سطح کشور و جهان گسترش دهند تا در این شبکه‌ها دانش ریخته شود و کاربران بتوانند به راحت‌ترین شکل ممکن به این دانش دسترسی داشته باشند (فرد شماره ۵، خرداد ۸۹). مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، پیشنهاد می‌کند: «با توجه به اینکه هر چه فاصله زمانی بیشتر می‌شود، از یک طرف، توانایی یادگیری و پردازش اطلاعات در نسل‌های جدید افزایش می‌یابد و از طرف دیگر، فناوری اطلاعات و ارتباطات ظرفیت‌های جدیدی ایجاد کرده است، امکان راه‌اندازی و توسعه شبکه‌های یادگیری رو به افزایش است. برای تحقق جامعه یادگیری می‌توان از این ظرفیت

اجتماعی است. در نتیجه، جامعه یادگیری، در زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند (خرداد، ۸۹)، زیرا اگر جامعه جایی باشد که در آن هرکسی، در هر سطحی، در هر زمانی به دانش و اطلاعات مورد نیاز خود دسترسی داشته باشد، افراد و جامعه هر دو از بازده‌های آن بهره‌مند می‌شوند (فرد شماره ۳، خرداد ۸۹). البته، جامعه یادگیری به بازده‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری در توسعه فرصت‌های یادگیری نیز توجه دارد. همان‌طور که مصاحبه‌شونده شماره ۱۴، اظهار داشت، واقعیت این است که امروزه، مشاغل به سرعت تغییر می‌کنند، در نتیجه بسیاری از آموزش‌های شغلی که در مؤسسات آموزشی به دانش‌آموزان و دانشجویان داده می‌شود تا زمانی که می‌خواهند وارد بازار کار شوند، منسوخ شده است. در این صورت، افراد در زندگی شغلی‌شان به بازآموزی و به روز کردن دانش و مهارت‌شان نیاز دارند (فرد شماره ۱۴، تیر ۸۹).

سؤال سوم: راهکارهای تحقق جامعه یادگیری در ایران
مصاحبه‌شوندگان با ذکر ویژگی‌های مذکور، همگی اذعان داشتند با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و آموزشی کشور و مقایسه آن با ویژگی‌های جامعه یادگیری، هم‌اکنون در ایران، بسترها و فرآیندهای لازم برای آن به طور کامل فراهم نیست و جامعه با برخی از موانع روبه‌روست. از جمله موانع موجود، سنتی بودن و عدم علم باوری در میان همه اقشار، نگاه سیاستگذاران کلان به مسأله دانش، رنگ باختن انگیزه یادگیری، بی‌توجهی به آموزه‌های دین اسلام و مشکلات موجود در نظام آموزشی است. مصاحبه‌شوندگان برای رفع این موانع و موفقیت در جهت بسترسازی برای جامعه یادگیری انجام موارد زیر را لازم دانستند:

۱ - ایجاد و توسعه فرهنگ یادگیری: مصاحبه‌شونده شماره ۲۰ اظهار داشت، اگر بخواهیم جامعه یادگیری

این تکلیفشان عمل کنند. وجود این احادیث، به گفته مصاحبه‌شوندگان، به معنی آن است که در واقع در اسلام دستورهای لازم که مقدمه اساسی شکل‌گیری جامعه یادگیری است، صادر شده است (فرد شماره ۳، خرداد ۸۹؛ فرد شماره ۲۲، مهر ۸۹). ایرانیان برای جستجوی روش‌ها و دستورالعمل‌های لازم، باید آنها را جستجو و روش‌هایی را استخراج کنند و سپس آنها را با وسایل کمک آموزشی، اینترنت، ارتباطات دیجیتالی و غیره متناسب ساخته، آنها را مدل‌سازی کنند (فرد شماره ۲۲، مهر ۸۹).

ه) ویژگی‌ها در بعد اقتصادی

طبق نظر چهار نفر از مصاحبه‌شوندگان (۱۷ درصد) مهمترین ویژگی جامعه یادگیری در بعد اقتصادی، این است که در این جامعه آگاهی و دانش سرمایه است. جامعه‌ای است که در آن از میان منابع قدرت، شامل زور فیزیکی، دانش و ثروت، اصلی‌ترین منبع قدرت، دانش است، زیرا آگاهی به فرد در کسب درآمد کمک می‌کند و موجب رشد اقتصادی جامعه می‌شود. علاوه بر این، آگاهی موجب منزلت اجتماعی و انسجام و افزایش سطح توسعه اجتماعی می‌گردد. در نتیجه، به عقیده مصاحبه‌شونده شماره ۱۷، در این جامعه درصد بالایی از تولیدات از جنس دانش است، به دلیل اینکه می‌تواند افراد را از سطح پایین آگاهی به سطوح بالا انتقال دهد. به عبارت دیگر، این جامعه می‌تواند افرادی پرورش دهد که قادرند از سطح داده به اطلاعات و از اطلاعات به علم عبور کنند. سپس از علم به خردمندی و حکمت برسند. در نتیجه، می‌توانند از مجموعه دانش تولید شده‌ای که در اختیارشان قرار دارد، در جهت بهبود معیشت و افزایش رفاه و سعادت کلی خودشان و جامعه استفاده نمایند (فرد شماره ۱۷، تیر ۸۹). مصاحبه‌شونده شماره ۳ توضیح داد براساس تئوری اقتصاد آموزش و پرورش، بازده سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش هم فردی و هم

تحقق پیدا کند، یکی از مهمترین عوامل لازم، فرهنگ‌سازی است تا اولاً افراد بپذیرند که یادگیری فقط در دانشگاه، مدرسه یا محل مشخصی که به آنها آموزش می‌دهد، اتفاق نمی‌افتد. باید این نگرش تقویت شود که در سراسر دوران زندگی یاد می‌گیریم، همه جا محل یادگیری است و هر لحظه باید یاد بگیریم، اما مسأله مهمتر از این، درک و احساس نیاز به یادگیری است. جامعه ما باید به جای این تفکر که کجا به ما مدرک می‌دهد، کجا به ما امتیاز می‌دهد، به نیاز به یادگیری بیندیشد. به همین دلیل نیاز به فرهنگ‌سازی وجود دارد. علاوه بر این، لازم است برنامه‌ریزی بلند مدت انجام گیرد تا آن را به مقاطع کوتاه‌تر تبدیل و آنها را اجرا نماییم. ایشان تأکید دارد برای تحقق این جامعه به عنوان یک زیر ساخت لازم است آموزش عالی را توسعه دهیم و اصلاح کنیم (مرداد ۸۹)، از طریق رسانه‌ها، اینترنت و غیره فرهنگ‌سازی کنیم، قوانین و مقررات را هم اصلاح نماییم. همه اینها باید همزمان با یکدیگر اجرا شود (فرد شماره ۲۰، مرداد ۸۹).

۲ - توسعه کمی و کیفی آموزش عالی: علاوه بر موارد مذکور، مصاحبه‌شوندگان بر توسعه کمی و کیفی آموزش عالی تأکید داشتند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۷، تذکر می‌دهد جامعه یادگیری، از نظر فرصت‌های کسب معرفت و یادگیری، به اندازه کافی متنوع است. بنابراین، آموزش باید از انحصار آموزش دولتی خارج شود و فرصت‌های آموزش غیر دولتی در آموزش عالی گسترش پیدا کند (فرد شماره ۱۷، تیر ۸۹). مصاحبه‌شونده شماره ۱۶، تذکر می‌دهد «برای یادگیری یک سری از توانایی‌های مهارتی و نگرش‌ها مثل یادگیری چگونه آموختن، خود رهبری و غیره باید در فرد رشد کند. وقتی که این قابلیت‌ها در افراد پرورش داده شد، ما می‌توانیم به جامعه یادگیری برسیم. بنابراین، آموزش عالی باید این مهارت‌ها و نگرش‌ها را در دانشجویان

پرورش دهد» (فرد شماره ۱۴، تیر ۸۹).

۳ - استفاده از مدل‌های ارائه شده در سایر کشورها: مصاحبه‌شونده شماره ۳ معتقد است در کنار اینکه ما مدلی را بر اساس ارزش‌ها، فرهنگ و دانش خودمان طراحی می‌کنیم، باید از دانشی که جهان در این زمینه تولید کرده، استفاده کنیم. کشورهایی مثل آمریکا، کره و ژاپن درباره اینکه توسعه چگونه تحقق پیدا می‌کند، مدل‌های مختلفی ارائه کرده‌اند و ما باید در مطالعه‌مان درباره این موضوع به مدل‌های دیگر هم نگاه کنیم (فرد شماره ۳، خرداد ۸۹). البته، مصاحبه‌شونده شماره ۲۲ (مهر ۸۹) و مصاحبه‌شونده شماره ۲۱ (شهریور ۸۹)، تذکر داده‌اند در این راستا، لازم است اول تصویر درستی از وضع موجود کشور داشته باشیم و بشناسیم کجا هستیم، آن وقت راحت‌تر می‌توانیم را همان را برای آینده مشخص کنیم. ما نمی‌توانیم از تجارب دیگران، عیناً استفاده کنیم، زیرا شرایط ما با آنها متفاوت است. در مجموع، مصاحبه‌شوندگان اعتقاد داشتند تحقق جامعه یادگیری در ایران امکان‌پذیر است، اما این کار به تلاش همه مسئولان نهادها و افراد جامعه نیاز دارد (فرد شماره ۲۰، مرداد ۸۹؛ فرد شماره ۲۳، خرداد ۸۹).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مروری بر آثار مربوط به آرمان شهر نشان می‌دهد طرح جامعه‌ای که در آن فرصت‌های یادگیری برای همه افراد بدون محدودیت زمانی و مکانی فراهم است و همه افراد می‌توانند و می‌خواهند به یادگیری ادامه دهند، ایده جدیدی نیست، اما از دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با ظهور آثار و پیامدهای جهانی شدن بر حیات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و سیاسی انسان‌ها موجب شد تا ایده «جامعه یادگیری» به عنوان اولین گام برای رسیدن به توسعه مبتنی بر دانش توجه بسیاری از دولت‌ها و صاحبان اندیشه را به خود جلب کند. در حوزه نظر، صاحب‌نظران

چالش‌های رو در روی خود باید به جامعه‌ای تبدیل شوند که یادگیری در سراسر دوران زندگی محور اصلی فعالیت‌های آن است. آنان باید رهتوشه خود را برای پیمودن این مسیر از مبانی فلسفی دین اسلام بگیرند. مهمترین پیام این دین برای انسان (اقراً) خواندن است و از انسان‌ها خواسته از گهواره تا گور یاد بگیرند. از نظر اسلام انسان و جامعه دارای حقوق و وظایف متقابلند. بنابراین، بر هر فرد مسلمان بر اساس حدیث «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلم» یادگیری در هر زمان و مکان و در هر سن یک وظیفه به شمار می‌آید و از سوی جامعه باید یک حق تلقی شده، با فراهم کردن فرصت، امکان انجام این وظیفه را فراهم نماید. هدف نهایی هر دو آنها رسیدن به کمال؛ یعنی بندگی خداوند است. بنابراین، جامعه یادگیری ایرانی جامعه‌ای است که از میان اهداف سه‌گانه یادگیری (توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه فردی) به نتایج یادگیری در قلمرو زندگی فردی و اجتماعی نگاهی تلفیقی دارد. از این رو، محلی است که در آن افراد در سراسر دوران زندگی برای دستیابی به نتایج مورد علاقه خود یاد می‌گیرند و به گسترش توانمندی‌های خود می‌پردازند، اما در محیطی جمعی، شیوه اندیشیدن پرورش داده می‌شود. در آن، افراد می‌توانند تمایلات فردی را آزادانه بیان کنند و آن را با دیگران در میان گذارند تا به بینش مشترکی دست یابند. بدیهی است تأکید بر نتایج فردی و اجتماعی به معنای نادیده گرفتن نتایج اقتصادی یادگیری نیست. مهمترین ویژگی این جامعه، دانش بنیان بودن اقتصاد آن است؛ به این دلیل که افرادی پرورش می‌دهد که قادرند از مرحله تبدیل داده به اطلاعات و از اطلاعات به دانش عبور کرده و به مرحله خردمندی و حکمت برسند. در نتیجه، می‌توانند از مجموعه دانش تولید شده‌ای که در اختیارشان قرار دارد، در جهت بهبود معیشت و افزایش رفاه و سعادت کلی خودشان و جامعه استفاده کنند. به

دیدگاه‌ها و مدل‌های نظری. مفهومی را برای این نوع جامعه ارائه کرده‌اند. در حوزه عمل دولت‌ها برای تحقق آن بیانیه‌های خط مشی تهیه کرده و نوآوری‌هایی انجام داده‌اند. مرور این دو حوزه نشان می‌دهد الزام‌های اقتصاد دانش محور باعث شده هدف اساسی دولت‌ها از حمایت از جامعه یادگیری و یادگیری مادام‌العمر، توسعه اقتصادی و فواید شغلی و مالی آن برای فرد و جامعه باشد. از این رو، ابتدا در صدد ایجاد جامعه تحصیل کرده بر آمدند، اما بعد به سمت جامعه بازار یادگیری و جامعه شبکه یادگیری تغییر جهت دادند. تشدید نابرابری‌ها، بحران هویت و سایر آثار منفی این گرایش موجب شده تا صاحب‌نظران اعلام دارند اگر چه هر جامعه‌ای به شایستگی برای استخدام و توسعه اقتصادی نیاز دارد، ولی باید از هر گونه افراط و تفریط خودداری کرد. اکثر آنها خواستار تعدیل اهداف سه‌گانه یادگیری (توسعه فردی، توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی) در طراحی مدل جامعه یادگیری شده‌اند. امروزه این پیشنهاد پذیرفته شده که هر ملتی مدل جامعه یادگیری متناسب با شرایط خود را طراحی و برای تحقق آن تلاش کند. بدیهی است این مدل جدید می‌تواند به مجموعه مدل‌های موجود اضافه شده و دیدگاه جدیدی از جامعه یادگیری مطرح کند.

با ورود به هزاره سوم، می‌توان گفت عواملی که جهان را به سوی جامعه یادگیری واداشته، به تدریج جامعه ایرانی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. از این رو، کشور ما نیز مانند بسیاری از کشورها مسیر توسعه خود را توسعه مبتنی بر دانش انتخاب کرده است. در این کشور، اعضای جامعه نه تنها به دلیل نیاز فطری و الزام‌های ناشی از رشد دانش و فناوری، بلکه به دلیل زیستن در عصر دانش باید برای آنکه بتوانند در فرآیند تولید، انتقال، توزیع و به کارگیری دانش مشارکت فعال داشته باشند، همواره دانش و مهارت‌های خود را به روز نگه دارند. به عبارت دیگر، برای مواجهه منطقی با

علاوه، جامعه یادگیری به این واقعیت توجه دارد که نیاز به شغل نیازی طبیعی است. امروزه دانش و مهارت‌های شغلی به سرعت تغییر می‌کنند و افراد در زندگی شغلی‌شان به بازآموزی و به روز کردن دانش و مهارت خود نیاز دارند.

در مجموع، جامعه یادگیری ایرانی جامعه‌ای است که به اهداف سه گانه یادگیری در سراسر دوران زندگی نگاهی متعادل دارد. این جامعه، جایی است که در آن هدف، یادگیری برای یادگیری نیست، بلکه در آن، فرصت‌های یادگیری در سراسر دوران زندگی فراهم

می‌شود تا هر فرد خود انگیزه، برای هدفی متعالی به دنبال یادگیری برود. او برای دستیابی به نتایج مورد علاقه خود به یادگیری می‌پردازد تا خود و جامعه‌اش را به کمال برساند. به عبارت دیگر، بتواند واقعاً در جامعه اثرگذار بوده، در توسعه آن مشارکت کند. افرادی با این توانایی و احساس تعهد در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت فعال دارند تا علاوه بر ارتقای زندگی فردی، در توسعه اقتصادی جامعه سهیم شوند. بر اساس این مفهوم، جامعه یادگیری ایرانی جامعه‌ای با ویژگی‌هایی مندرج در جدول ۱ است.

جدول ۱- ویژگی‌ها و شاخص‌های جامعه یادگیری ایرانی

ویژگی‌ها	شاخص‌ها
ویژگی‌های اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> این جامعه به حق آموزش توجه دارد و فرصت‌های برابر یادگیری را توسعه می‌دهد تا هر کس متناسب با توانایی‌های خود از آن بهره‌مند شود و عدالت اجتماعی برقرار گردد. جامعه یادگیری ایرانی از عقلانیت جمعی حمایت می‌کند و نقد کننده و نقد پذیر است. در آن شهروندی فعال در سطح ملی و جهانی تشویق می‌شود. این جامعه حتی از مرحله عقلانیت جمعی فراتر رفته و به انسجام در هدف نهایی؛ یعنی تعبد و بندگی خداوند دست یافته است.
ویژگی‌های فردی	<ul style="list-style-type: none"> فرصت‌های یادگیری را فراهم می‌کند تا افراد احساس کنند به حق یادگیری و آموزش رسیده‌اند. با روش‌های مختلف انگیزه یادگیری آنها تقویت می‌شود. برای آنکه بتوانند مسئولیت انتخاب‌های خود را بر عهده بگیرند، توانایی خود رهبری در یادگیری و یادگرفتن چگونه یادگرفتن در آنها پرورش داده می‌شود.
ویژگی‌های آموزشی	<ul style="list-style-type: none"> میان بخش‌های مختلف آموزش رسمی از پیش از دبستان تا پس از تحصیلات تکمیلی ارتباط درونی وجود دارد. این جامعه آموزش‌های غیر رسمی را متناسب با نیازهای همه اقشار اشاعه می‌دهد. راهکارهای مناسبی برای به حساب آوردن یادگیری اتفاقی و توسعه آن به کار می‌گیرد. علاوه بر توسعه کمی به توسعه کیفی فرصت‌های یادگیری نیز توجه داشته، در صدد است تا کیفیت روش‌ها و فنون یادگیری را نیز ارتقا دهد.
ویژگی‌های فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> جامعه یادگیری در ایران از توانایی‌های بالقوه فناوری اطلاعات و ارتباطات برای توسعه شبکه‌های یادگیری ملی و جهانی استفاده می‌کند. با استفاده از اصول و تعالیم اسلام و با جستجوی در آنها، روش‌ها و دستورالعمل‌های خود را استخراج می‌کند و متناسب با شرایط کنونی جامعه، علم و فناوری، در حد اعلی به کار می‌گیرد.
ویژگی‌های اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> فرصت‌های یادگیری را در همه جا و هر زمان فراهم می‌کند تا افراد بتوانند با به روز نگه داشتن دانش و مهارت‌های خود زندگی فردی‌شان را تأمین کنند. نیروی انسانی ماهر برای توسعه اقتصادی فراهم گردد.

می‌دهد جامعه یادگیری ایرانی نیز جامعه‌ای انسانگراست

مقایسه این مدل با مدل‌های ارائه شده در جهان نشان

بر اساس چشم اندازی از جامعه یادگیری ایرانی پردازد تا مبنایی برای تصمیم‌گیری‌های مربوط به توسعه کمی و کیفی فرصت‌های یادگیری در جامعه قرار گیرد و تمام فعالیت‌ها درون این چارچوب سازماندهی و برنامه‌ریزی شوند.

۳ - لازم است این کمیته با انجام فراخوان عمومی دیدگاه‌ها را جمع‌آوری نماید. همچنین، منابع اسلامی اعم از قرآن کریم، نهج البلاغه و تاریخ صدر اسلام را مطالعه و ایده‌ها و راهکارهای مناسب برای اشاعه فرهنگ یادگیری و توسعه فرصت‌های یادگیری را استخراج کند. کار دیگر این کمیته، انجام پژوهش‌های وسیع تطبیقی و بررسی نقادانه مجموعه تجربیات موجود درباره ایده‌های یادگیری مادام‌العمر و جامعه یادگیری در سطح جهان است تا با جمع‌بندی مجموعه اطلاعات، تدوین مدل که در این پژوهش آغاز شده است، تکمیل نماید. با توجه به این که تحقق جامعه یادگیری فرآیندی زمان‌بر و طولانی است و تحقق آن باید در یک چشم‌انداز بلند مدت دنبال شود. وظیفه سوم این کمیته، تهیه چشم‌انداز بلند مدت است تا در قالب نیازها و اولویت‌ها به میان مدت و کوتاه مدت تقسیم و برای آنها برنامه اجرایی تدوین و سپس اجرا شود.

۴ - لازم است نظامی وسیع و فراگیر از فرصت‌های یادگیری رسمی و غیر رسمی و اتفاقی یا لحظه‌ای به وجود آید. در این نظام، آموزش رسمی، به ویژه آموزش عالی باید نقش مهمی داشته و وزارتخانه‌های مربوط به آن در تعاملی مؤثر برای توسعه فرصت‌های یادگیری عالی تلاش کنند. علاوه بر این، توسعه یادگیری غیر رسمی از طریق کتابخانه‌ها، موزه‌ها، آموزشگاه‌ها و سایر مؤسساتی که می‌توانند در این زمینه فعالیت کنند، پی‌گیری شده و با راهکارهایی مانند اعطای گواهینامه یا مدرک، ارزش و اعتبار آنها تضمین گردد. لازم است از

که مبنای فلسفی خود را از دین اسلام می‌گیرد و از این جهت با مدل‌های غربی متفاوت است. شایان ذکر است که با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و آموزشی فعلی کشور، زمینه تحقق این جامعه یادگیری در حد مطلوب فراهم نیست و با موانعی مانند عدم علم باوری در میان همه اقشار، رنگ باختن انگیزه یادگیری، بی‌توجهی به آموزه‌های دین اسلام و مشکلات موجود در نظام آموزشی روبه روست. بنابر این، تحقق آن نیازمند تلاشی جدی و انجام کارهایی از جمله موارد زیر است:

۱ - مهمترین کاری که برای تحقق جامعه یادگیری لازم است، رواج فرهنگ یادگیری است تا افراد به لزوم تداوم یادگیری در سراسر دوران زندگی خود پی ببرند. دولت، سیاستگذاران، کارفرمایان، رسانه‌ها، مسئولان آموزش و پرورش و آموزش عالی و همه افراد متولگی آموزش باید در بسیجی همگانی برای رواج فرهنگ یادگیری شرکت کنند تا افراد در یابند در دنیای در حال تغییری که اکنون به سر می‌برند، باید همواره در حال یادگیری باشند تا بتوانند به زندگی انسانی خود ادامه دهند. باید توجه داشت این فرهنگ قابل تحمیل کردن نیست، بلکه باید از درون انسان‌ها سرچشمه گیرد. به همین دلیل، اتخاذ سیاست‌های تشویقی مانند برگزاری روز یا هفته یادگیری و تشویق افراد موفق در حوزه یادگیری رسمی یا غیر رسمی و اتفاقی و طرح مباحثی مثل «شهر یا محله یادگیری» می‌تواند مؤثر باشد.

۲ - تحقق جامعه یادگیری مستلزم داشتن نگاهی سیستمی است. این دیدگاه مبین آن است که تمام بخش‌های متولگی امر آموزش در جامعه، باید برای زمینه‌سازی شکل‌گیری آن، با هم همکاری نمایند. برای این هدف، لازم است کمیته‌ای متشکل از مجموعه‌ای از متخصصان، محققان، اعضای هیأت علمی و نمایندگان تمامی بخش‌ها تشکیل شده و به تدوین بیانیه خط مشی

فعالیت‌هاست؛ هم می‌تواند یاد دهنده و هم یادگیرنده باشد، از جامعه در حال یادگیری نیز این مفهوم استنباط می‌شود که یادگیری در جامعه، محدود به زمان حال است و به ارتباط آن با زمان گذشته و آینده توجهی ندارد، بنابر این، به نظر می‌رسد اصطلاح جامعه یادگیری، مفهومی جامع‌تر است. در این مفهوم، یادگیری صفت جامعه‌ای است که افراد آن همواره در حال یاد دادن و یاد گرفتن در یک پیوستار زمانی از گذشته تا آینده هستند. لذا در این تحقیق، از اصطلاح «جامعه یادگیری» استفاده شده است.

منابع

- بانک جهانی. (۱۳۸۷). *یادگیری مادام‌العمر در اقتصاد دانش محور*، ترجمه: مصطفی عماد زاده و فریما کسبایان، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- دهخدا. (۱۲۵۸-۱۳۳۴). *لغتنامه*، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا.
- رست، صادق و خسروانی، فرزانه. (۱۳۸۵). «آموزش عالی مبتنی بر توسعه دانایی محور»، مندرج در *مجموعه مقالات منتخب دومین همایش ملی توسعه دانایی محور*، بوشهر: انتشارات دانشگاه خلیج فارس.
- سیلور، جی گالن؛ الکساندر، ویلیام ام؛ لوئیس، آرتور جی. (۱۳۷۷). *برنامه‌ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر*، ترجمه: غلامرضا خوی نژاد، مشهد: آستان قدس رضوی.
- گال، مردیت؛ بورگ، والتر و گال، جوئیس. (۱۳۸۳). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ترجمه: دکتر احمدرضا نصر و همکاران، تهران: سمت و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مسعودی، حسن. (۱۳۹۰). *مدینه فاضله*، مؤسسه تحقیقات و

طریق رسانه‌ها و سایر وسایل اطلاع‌رسانی، توجه افراد به یادگیری‌هایی که در زندگی روزمره انجام می‌شود، جلب و تمایل و توجه بیشتر به آن تشویق شود.

۵ - تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد برای ایجاد جامعه یادگیری، تنها توسعه کمی فرصت‌های یادگیری کافی نیست بلکه مهم‌تر از آن حفظ و ارتقای کیفی این فرصت‌هاست تا انگیزه یادگیری را در شرکت‌کنندگان تقویت کند و یادگیرندگان مادام‌العمری پرورش یابند که بخواهند و بتوانند از فرصت‌های موجود استفاده کنند. بی‌شک نظام آموزش عالی و دانشگاه در این خصوص نقش بسزایی دارد. به همین دلیل لازم است دانشجویان و اعضای هیأت علمی در تمام رشته‌ها، به ویژه رشته‌های جامعه‌شناسی و علوم تربیتی مجموعه وسیعی از پژوهش‌های بنیادی و کاربردی را درباره مفاهیم یادگیری مادام‌العمر و جامعه یادگیری و دلالت‌های آنها برای آموزش به طور عام و آموزش دانشگاهی به طور خاص انجام دهند.

۶ - با توجه به این که توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات فرصت مناسبی فراهم کرده است تا از آن برای ایجاد و توسعه شبکه‌های یادگیری محلی، ملی و جهانی استفاده شود، لازم است وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، آموزش عالی و سایر مؤسسات متولی آموزش با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ایران و سایر مؤسسات مربوطه راه‌های توسعه شبکه یادگیری در کشور را بررسی و خط مشی‌های لازم را تهیه نمایند.

پی‌نوشت

- [۱] در متون تخصصی فارسی، صاحب‌نظران ایرانی اصطلاح *learning society* را جامعه یادگیرنده و جامعه در حال یادگیری ترجمه کرده‌اند. اما از آنجا که جامعه‌ای که در آن همواره یادگیری محور اصلی همه

- 643-650.
- Hyland, T. (2003) Learning, work and community: Vocational studies and social values in the learning age. In: *Lifelong learning: Education across the lifespan*. London and New York: Routledge Flamer.
- Jarvis, P. (2008) *Globalization, lifelong learning and the learning society*. London and New York: Rotledge.
- Knapper, Ch. and Croply, A. (2000) *Lifelong learning in higher education*. London: Kogan Page.
- Morgan, B. Osborne, K. and Osborne, M. (2007) *The concepts and practices of lifelong learning*. London and New York: Routledge.
- Matheson, C. and Matheson, D. (2000) *Educational issues in the learning age*. London and New York: Cotinum Wellington House.
- Murphy, F. (2010) *Notions of learning society and learning partnership vehicles: The Islands Project- case study*. Dublin Institute of Technology.
- Ouane, A. (2002) Key competencies for lifelong learning. In: *Institutionalising lifelong learning*. Unesco Institute for Education. 311-325.
- Peters, O. (2009) The contribution of open and distance education to lifelong learning. In: *The Routledge International Handbook of lifelong learning*.
- Ranson, S. (1998) *Toward a learning society*. New York: Cassell.
- Schuetze, H. G. and Slowey, M. (2000) *Higher education and lifelong learners: International perspectives on chang*. London and New York: Routledge Flamer.
- نشر معارف اسلامی: کتابخانه دیجیتال.
- یونسکو. (۱۳۷۶). یادگیری گنج درون، ترجمه: دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش. تهران: تزکیه.
- یونسکو. (۱۳۸۸). به سوی جامعه دانایی محور، ترجمه حسن قاسمی و سیروس آزادی، تهران: سمت.
- Ahmed, M. (2002) Lifelong learning and the learning society. In: *Institutionalising lifelong learning*. Unesco Institute for Educaion; 22-47.
- Boshier, R. (2000) "Running to Win: The Contest between Lifelong Learning and Education in Canada". *The Journal of Newzealand University* (3), 5-12.
- Bierema, L. (2006) *Lifelong learning*. www.sage-reference.com.
- Coffield, F. (1998) *Leaning at work: The learning society*. UK: The Policy Press.
- Cohen, J. and Leicester, M. (2003) The evolution of the learning society. In: *Lifelong learning: Edcation across the lifespan*, 56-72.
- Edwards, R. (1997) *Changing Places?*. London; Routledge.
- Edwards, R. Miller, N. Small, N. and Tait, A. (2002) *Supporting lifelong learning*. London and New York: The Open University.
- Unesco. (1972) *Learning to be: The world of education today and tomorrow*. New York: Unesco.
- Filed, J. (2004) *Lifelong learning and cultural change: A Euoropian perspective*. Toiwan: National Chung- Cheng University.
- Holford, J. and Jarvis, p. (2000) The learning society. In: *Handbook of adult and Continuing*. San Fran Cisco: Jossey Bass,

- In: *Supporting lifelong learning*. 6-29.
- Tuomi, I. (2005) *The future of learning in the knowledge society: Disruptive change for Europe by 2020*. Background paper prepared for DG JRC/IPTS and DGEAC.
- Watterston, J. (2005) Learning that lasts: Lifelong learning and the knowledge economy. <http://www.icponline.org/featurearticles/f701.htm>.
- Wilkins, R. (2000) "Leading the learning society; The role of local education asthoristies". *Educational Management Administration and Leadership*, 28(339). 340- 352.
- Smith, M.K. (2002) Learning, reflection and change. Retrived:www.infed.org/thinkers/et-schon.htm.
- Smith. J. and Spurling, A. (1999) *Lifelong learning: Riding the Tiger*. London and New York; Cassell.
- Strain, M. (2000) "Schools in a learning society: New purposes and modalities of learning in late modern society". *Educational Management Administration and Leadership*, 28 (281). 280- 298.
- Tuijnman, A. (2002) "Themes and Questions for a Research Agenda on Lifelong Learning".

